

قوانین و مقررات کلی جنگ و دفاع در اسلام

عباسعلی عظیمی شوشتری

چکیده

در این مقاله پس از بیان تعاریفی از جنگ از دیدگاه جامعه‌شناسی و سیاسی و حقوقی به تعریف جنگ و حقوق آن در اسلام پرداخته و تفاوت آن با مفهوم جهاد یادآوری شده است. ممنوع بودن توسل به زور در حقوق بین‌الملل عمومی در بیثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد و نیز در اسلام با توجه به قرآن و سنت و آرای دانشمندان اسلامی اجمالاً توضیح داده شده است و سپس به استنادات این اصل مثل دفاع مشروع، جنگ عادلانه پرداخته و نظر اسلام در این باره مطرح شده است. اعلان جنگ، مقام صالح برای اعلان جنگ و آثار آن از قبیل تبدیل سرزمینی که به آن اعلان جنگ شده به دارالحرب، ممنوع بودن تجارت با دشمن، فسخ قراردادهای دوجانبه و وضعیت اموال دشمن از جمله مباحثی است که در بحث آغاز جنگ به آن اشاره و به مسأله دعوت اسلامی نیز مروری شده است. در بحث آداب جنگ با تفکیک منطقه جنگی و صحنه جنگ و نیز رزمندگان از غیر رزمندگان به فرمایان جنگی از قبیل اسیران، مجروحان، بیماران و مقتولان اشاراتی رفته است. روش و وسایل جنگ، بحث بعدی است که در آن به کارگیری وسایل وحشیانه و استفاده از وسایل ناجوانمردانه را ممنوع دانسته و نظر اسلام را در این خصوص آورده و در پایان اشاره‌ای به موضوع غنیمت در اسلام شده است.

مقدمه

جنگ به عنوان پدیده‌ای مذموم و تأسف آور، همواره مورد بحث دانشمندان علوم مختلف بوده است. جامعه‌شناسان، دانشمندان علم سیاست و نظامیان، هر کدام تعریفی از آن ارائه، و حقوقدانان نیز برای ترتب آثار حقوقی و اجرای قوانین جنگ تعریفی به این شرح از آن مطرح کرده‌اند: «درگیری مسلحانه بین دو یا چند طرف سازمان‌یافته (دولت یا غیر دولت) با قصد قبلی در مدتی متعارف»

در حقوق اسلام نیز از دو مفهوم جنگ و جهاد استفاده شده است (منظور جهاد اصغر است) جهاد به معنی جنگ در راه خدا و برای خدا با دشمنان خداست. از این رو می‌توان گفت که از مفهوم جنگ از یک جهت گسترده‌تر و از جهت دیگر نیز محدودتر است. با این تلقی از جنگ و جهاد می‌توانیم بگوییم در اسلام صرفاً جنگی مشروع است که در راه خدا باشد؛ یعنی اسلام، اصالت را به عدم توسل به زور داده و دفاع و جهاد ابتدایی، استثناً بر این اصل است.

دفاع انواع مختلف دارد و شامل دفاع از سرزمینهای اسلامی، دفاع از جان و مال مسلمین که مورد تجاوز واقع شده‌اند و دفاع پیشگیرانه. دفاع از نظر فقها تکلیفی الهی است که بر هر فرد مسلمان واجب است؛ اعم از اینکه امام معصوم (ع) حاضر باشد یا خیر. علاوه بر دفاع در اسلام بر مقابله به مثل نیز تأکید شده است و آن را حق مسلمین در مقابل جرائم ارتكابی علیه آنان (مثل بمباران مناطق مسکونی) می‌داند به شرطی که متناسب با جرم ارتكابی باشد.

جهاد ابتدایی یا جنگ عادلانه با کفار کتایی و غیر کتایی با این اهداف انجام می‌شود: کمک به مظلومان، مبارزه با اختناق، دفاع از حقوق و ارزشهای انسانی؛ به عبارت دیگر چه ما آن را نوعی دفاع بدانیم یا تهاجم، (که مورد اختلاف علما و مفسران است) از این نظر که شکلی از «مداخله بشردوستانه» به مفهوم عام آن است، تفاوتی نمی‌کند.

هر جنگی با اعلان آغاز می‌شود. در حقوق اسلام، امام و رهبر مسلمین برای اعلان جنگ یا صلح، صالح است. اعلان جنگ آثاری به این شرح دارد: تبدیل شدن سرزمینی که به آن اعلان جنگ شده به دارالحرب، ممنوع بودن تجارت با دشمن، فسخ قراردادهای دوجانبه،

وضعیت اموال دشمن. (اموال عمومی دشمن غنیمت جنگی به شمار می‌آید ولی اموال خصوصی اعم از اینکه به موجب امان وارد خاک دارالاسلام شده باشد یا با معاهده، محترم است.)

قبل از جهاد ابتدیی، باید دعوت اسلامی صورت گیرد که خود نوعی «التیماتوم» است که توسط امام یا فرد منصوب از جانب وی صورت می‌پذیرد.

پس از این کلیات به مقرراتی پرداخته می‌شود که هنگام جنگ باید اجرا شود. ابتدا باید بین رزمندگان و غیررزمندگان تفکیک قائل شویم تا بدین ترتیب حقوق هر کدام را بطور روشن بیان کنیم. در اسلام رزمنده به کسی گفته می‌شود که عملاً به انجام عملیات نظامی اقدام کند (فیزیکی یا فکری) و افراد دیگر غیر رزمنده هستند. و حق کشتن و تعرض به آنها وجود ندارد. آیات و روایات در این زمینه متعدد است. در کنار این دو دسته باید به قربانیان جنگ نیز اشاره کرد که شامل اسیران، مجروحان و کشته‌شدگان جنگ هستند.

در حقوق اسلام بطور مفصل از حقوق اسیران صحبت، و دربارهٔ سائلی همچون زمان دستگیری، حقوق آنان، وضعیت غذایی اسیران و محل نگهداری آنان، استفاده از کار و آزادی آنها بحث شده است.

رزمندگان اسلام مطلقاً حق کشتن مجروحان جنگی را ندارند بلکه باید در جهت درمان آنها کوشش کنند و بنا بر قولی باید آنها را به محل خود برگردانند؛ علاوه بر این مثله کردن و سوزاندن و بطور کلی هرگونه توهین به اجساد دشمن ممنوع است.

به کارگیری وسایل وحشیانه مثل سلاحهای شیمیایی و میکروبیولوژیک و هسته‌ای و روشهای تغییر محیط همچنین مکر و نامردی نیز به استناد آیات و روایات ممنوع است.

دیدگاه‌ها دربارهٔ تعریف جنگ

تاریخ بشر از منازعات مسلحانه و در یک کلام، جنگ سرشار است. این پدیده در رشته‌های مختلف علوم انسانی بویژه در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حقوق مورد بحث قرار گرفته است.

الف - دیدگاه جامعه شناسی

جامعه شناسی اصولاً جنگ را تعارضی اجتماعی می‌داند که در سطح گسترده‌ای بروز کرده است. همچنین آن را وضعیتی می‌داند که در آن، هدفهای گروه انسانی معینی (قبیله‌ای، قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیر آن) با اهداف گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری، تعارضی آگاهانه داشته باشد.^۱ جنگ، نمودی از این تعارضات و شدت آن است. از دید «کلمن» جنگ «کنشی اجتماعی» در میان اجتماع است که در یک بافت سیاسی ملی یا بین‌المللی به اجرا درآید.^۲ از این جهت بسیاری از جامعه شناسان، محو کامل منازعه را از پهنه زندگی انسان نه تنها غیر ممکن بلکه نامطلوب نیز می‌دانند؛ حتی ابن‌خلدون معتقد است: «انواع جنگها و زد و خوردها از نخستین روزگاری که خداوند مردم را آفریده است پیوسته در میان بشر روی می‌داده است. اصل آن از کینه توزی و انتقام گرفتن یکی از دیگری سرچشمه می‌گیرد».^۳

ب - دیدگاه سیاسی

«کلاسویتز»^۴ کارشناس نظامی و استراتژی آلمان در قرن نوزدهم می‌گوید: «جنگ ادامه سیاست ولی با وسایل و سلاحهای دیگر است». بنابراین از دید سیاستمداران، جنگ ادامه اقدامات سیاسی و برای پیشبرد هدفهای گروهی و حزبی است. اصولاً خشونت یکی از گونه‌های طبیعی رفتار سیاسی است.^۴

ج - دیدگاه حقوقی

حقوقدانان در جنگ در پی این هستند که بدانند یک تعارض اجتماعی به چه مرحله‌ای باید برسد که بتوان آثار حقوقی بر آن مترتب کرد. نظریات گوناگونی در این زمینه بیان شده است: «پنهایم» جنگ را «جدال بین دو دولت از طریق قوای نظامی با هدف برتری و غلبه بر

دیگران و به کار بردن شرایط دلخواه طرف پیروز می‌داند.^۵ «وردوس» جنگ را جدلی مسلحانه بین دولتها می‌داند که در آن، تمام روابط صلح آمیز معلق می‌شود.^۶ اگر بنا باشد به تعریفی برسیم که بر اساس آن بتوان حالت جنگ را، که باید مشمول قواعد حقوق جنگ شود، تعیین کنیم و به عبارت دیگر بتوان جنگ را تشخیص داد و طرفین را ملزم به رعایت مقررات آن کرد، باید صرف نظر از ماهیت طرفین درگیر و میزان و شدت عملیات و یا اعلان یا عدم اعلان، جنگ را از طریق اقدامات مادی و معنوی آن شناخت؛ به عبارت دیگر جنگ را می‌توان: «درگیری مسلحانه بین دو یا چند طرف سازمان یافته (دولت یا غیر دولت) با قصد قبلی در مدتی متعارف تعریف کرد.» بنابراین عناصر تعریف حقوق جنگ شامل:

- ۱- عنصر مادی: درگیری مسلحانه
- ۲- عنصر سازمانی: گروه یا گروه‌های متشکل سازمان یافته
- ۳- قصد: اقدام صرفاً برای جنگ باشد نه مقابله به مثل یا عملیات تلافی جویانه
- ۴- مدت متعارف: برخورد های مرزی و محدود در یک شب یا شبیخونهای محدود و مانند آن از این تعریف خارج است.

تعریف حقوق جنگ (در حقوق بین الملل)

مجموعه قواعد حاکم بر روابط دو طرف متخاصم در جنگ و همچنین روابط آنها با طرفهای ثالث و بیطرف را حقوق جنگ می‌نامند.

تعریف جنگ و حقوق جنگ (در حقوق اسلام)

برای تعریف حقوق جنگ در اسلام، ابتدا باید تفاوت مفهوم حقوقی جنگ، که به آن اشاره شد و مفهوم «جهاد» مشخص شود. سپس بررسی شود که آیا قواعد حقوق جنگ در اسلام صرفاً به جهاد اختصاص دارد یا بر تمام جنگها قابل اعمال است.

الف - مفهوم جهاد و تفاوت آن با مفهوم حقوقی جنگ

ظاهراً ریشه کلمه جهاد از دو واژه «جهد» به معنی «مشقت» و «جهد» به معنی «طاقت» آمده

است.^۷ ولی چه واژه جهاد را از کلمه «جهد» به معنی کوشش کردن و تلاش کردن بدانیم و چه از «جهد» به معنی تحمل کردن سختی و هموار ساختن مشقت و طاقت، نتیجه لغوی جهاد، کوشیدن و بذل کوشش و بذل کردن امکان آدمی در راهی و انجام دادن هر کاری است تا آنجا که توانایی آدمی اجازه دهد.^۸

جهاد در فرهنگ اسلامی یا «جهاد اکبر» به معنی مبارزه با نفس، و یا «جهاد اصغر» که منظور جنگ کردن در راه خدا و برای خدا با دشمنان خداست.

«جهاد اصغر»، که موضوع بحث ماست، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: جهاد با کفار، جهاد با منحرفان و بغات علیه امام عادل زمان. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت مفهوم حقوقی جنگ از یک جهت از مفهوم جهاد وسیعتر است؛ زیرا شامل همه انواع منازعات می‌شود که جهاد نوعی از آن است. از سویی جهاد نیز از جنگ وسیعتر است؛ زیرا شامل نبرد با بغاتی نیز می‌شود که فاقد سازمان و تشکیلات خاص هستند. به این ترتیب، قواعد و مقررات مربوط به منازعات مسلحانه در فقه اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول قواعد و مقرراتی که صرفاً به «جهاد» اختصاص دارد و شمول آن به سایر جنگها موضوعیت ندارد؛ مثل قواعد مربوط به وجوب جهاد، لزوم جهاد در التزام امام معصوم (ع) و... دسته دیگر قواعدی است که باید آنها را قواعد عمومی جنگ دانست؛ مثل برخورد با اسیران و قربانیان جنگ، استفاده نکردن از سلاحهای وحشیانه و کشتار جمعی، چگونگی اداره عملیات و...^۹ اصولاً این دسته از مقررات مورد بحث ماست.

ب- تعریف حقوق جنگ در اسلام

به این ترتیب می‌توان گفت: «حقوق جنگ در اسلام مجموعه مقرراتی است که دولت اسلامی و سایر مسلمین هنگام درگیری بادشمن (در هر نوع آن) باید آنها را رعایت کنند».

ممنوع بودن توسل به زور در حقوق بین الملل عمومی

دیپلماتها پس از جنگ جهانی اول چنان پنداشتند که به علت نبودن سیستم تبادل نظر

بین‌الملل، جنگ به وجود آمده است.^{۱۰} جامعه ملل و میثاق جامعه ملل هم تحت تأثیر همین تفکر به وجود آمد.

الف- میثاق جامعه ملل

میثاق، هرگز در صدد محو کامل جنگ از صحنه بین‌المللی نبود، بلکه به آن به عنوان مسأله‌ای خصوصی بین دولتها توجه نکرد و آن را مشکل و معضل بین‌المللی تلقی کرد تا از این طریق تلاشی همه‌گیر را برای حل آن سامان ببخشد. بر اساس این اصل ماده ۱۱ میثاق مقرر می‌دارد: «جنگ یا تهدید به جنگ مسأله‌ای مربوط به کل اعضای جامعه ملل است» و در نهایت دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری، مواردی را که جنگ نامشروع و غیر قانونی است بیان کرد. در کنار آن تلاشهایی برای ایجاد این روش که دولتها اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز حل و فصل کنند، انجام شد و اصولاً تشکیل دیوان نیز در این راستا بود.

ب- منشور ملل متحد

بعد از جنگ جهانی دوم در اثر مصیبت‌های وارد شده به جامعه بشری در اثر بروز آن، تدوین کنندگان منشور نه تنها جنگ را منع کردند، بلکه در ماده ۲ بند ۴ صریحاً اعلام کردند: «همه اعضا موظفند در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا به کار بردن آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری و یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل مختلف مبادینت داشته باشد خودداری کنند.»

در ضمن برای حل مسالمت آمیز اختلافات و جلوگیری از تجاوز و تنبیه متجاوز و حق دفاع مشروع تدابیری پیش‌بینی کرده است. در هر حال از دیدگاه منشور به کارگیری زور (به مفهوم استفاده از نیروی نظامی) ممنوع است.

ممنوع بودن توسل به زور در اسلام

این تصور در ذهن بسیاری از مستشرقان و حتی عده‌ای از متفکران شرقی وجود دارد که اسلام اصولاً جنگ را به عنوان اولین حربه و ابزار برای پیشبرد مقاصد خود تجویز کرده

است؛ به عبارت دیگر در اسلام توسل به زور نه تنها ممنوع نیست، بلکه جنگ بهترین وسیله گسترش دین به شمار می‌رود. برای بررسی صحت این دیدگاه و اصولاً نظر اسلام در خصوص اصل «منع توسل به زور» به آیات قرآن، سنت پیامبر و گفته‌ها و نظریات علمای اسلام مراجعه می‌کنیم:

الف- آیات قرآن

اذن جهاد در سال دوم هجری بوده است؛ یعنی ۱۵ سال اول از طریق مسالمت آمیز دعوت صورت می‌گرفت و فقط در ۸ سال آخر، جنگ و جهاد مطرح شد و آغاز آن با آیات زیر بود: «ان الله يدافع عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور. اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير. الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله...»^{۱۱} «خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند و هیچ خبیاتکار ناسپاسی را دوست ندارد. به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل گردیده (به آنها ظلم شده) اجازه (دفاع) جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست؛ همانها که از خانه و شهر خود به ناحق رانده شده‌اند که می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتاست.»

در این آیات، که اولین آیات درباره جهاد است، به هیچ وجه مسأله تحمیل عقیده مطرح نیست؛ بلکه به مسلمانان اجازه داده شده است در موارد زیر جنگ کنند:

۱- دفاع از خود

۲- مبارزه با ظلم و ظالمانی که به آنها ظلم روا داشته‌اند.

۳- مبارزه با کسانی که آنها را از خانه بیرون رانده‌اند.

۴- مبارزه با کسانی که حق آزادی عقیده را از آنها سلب کرده‌اند و

می‌کوشند عقیده خود را به آنها تحمیل کنند.

این آیات و شأن نزول آنها، حکایت از این دارد که در اسلام توسل به زور جنبه استثنایی دارد و صرفاً در موارد خاصی که بر شمرده شده، تجویز شده است و اصولاً جنگ نه تنها برای تحمیل عقیده نیست که یکی از هدفهای آن، مبارزه با کسانی است که می‌کوشند حق انتخاب عقیده در دین را از مردم بگیرند و آنها را به دلیل پیروی از مکتب و مرامی خلاف آنچه خود

داشتند شکنجه می‌کردند. بنابراین خداوند اذن را برای دفاع از دین خدا صادر کرده و بدین طریق خواسته است تا از دین خود دفاع کند.^{۱۲}

به علاوه در هیچ جای قرآن ذکر نشده است که جنگ و جهاد برای تحمیل عقیده و وادار کردن غیر مسلمان به پذیرش اسلام است، بلکه برعکس، قرآن روشهای دعوت خود را به این شرح بیان می‌کند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن»^{۱۳} با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوست استدلال و مناظره کن.

پس «رسول گرامی اسلام مأمور شده است که به یکی از این سه طریق دعوت کند»^{۱۴} و می‌فرماید: «وظیفه شما دعوت به حق از روشهای سه‌گانه برشمرده شده است»^{۱۵} و از این رو در ادامه می‌فرماید: «ان ربک اعلم بمن ضل عن سبیلہ و هو اعلم بالمهتدین»^{۱۶} «پروردگارت از هرکسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده و او به هدایت یافتگان داناتر است.»

اصولاً عقیده، باطنی و درونی است؛ ظاهری نیست که افراد دیگر از آن اطلاع داشته باشند. مانند این است که می‌خواهد بفرماید هرکس از این سه طریق هدایت شد، ایمان واقعی دارد. در غیر این صورت اگر هم ابراز ایمان کند قابل اطمینان نیست و با زور نمی‌توان عقیده‌ای را بر کسی تحمیل کرد؛ زیرا «ما اگر توحید را از حقوق انسانی بدانیم باز نمی‌توانیم با ملت دیگر برای تحمیل عقیده و توحید بجنگیم، چون خود عقیده فی حد ذاته تحمیل پذیر نیست.»^{۱۷}

از نظر قرآن جنگ و یا مجازات دشمن آخرین حربه است: «و ان عاقبتکم فعاقبوا بمثل ما عوقبتکم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین» اگر کار از طریق بحث منطقی و عاطفی و مناظره معتدل درست نشد و (در صورتی که) آنها دست به تعدی و تجاوز زدند، آن وقت «اگر هم خواستید مجازات کنید (به دلیل تجاوزی که انجام داده‌اند) فقط به مقداری که به شما تعدی شده است کیفر دهید»^{۱۸} و نه بیشتر؛ حتی در ادامه آیه به صبر نیز دعوت می‌کند. در هر حال در هیچ جای قرآن به مسلمین برای تحمیل عقیده اجازه جنگ داده نشده است.

ب- سنت و روش پیامبر(ص)

مسلمین مدتها بود از رسول خدا(ص) درخواست می‌کردند که با مشرکین بجنگند. حضرت به ایشان می‌فرمود: من مأمور به قتال نشده‌ام و در این باب هیچ دستوری نرسیده و این در زمانی بود که مشرکین، اموال مسلمانان را در مکه مصادره کرده بودند. «پیامبر(ص) تا در مکه بود همه روزه عده‌ای از مسلمانان نزدش می‌آمدند که یا کتک خورده بودند و یا زخمی شده یا شکنجه دیده بودند و در محضر آن جناب از وضع خود و ستمهایی که از مشرکان مکه و گردن‌کلفتها آنان دیده بودند، شکوه می‌کردند، حضرت هم ایشان را تسلیت می‌داد و به صبر و انتظار فرج امر می‌کرد تا اینکه این آیات (۳۸، ۳۹، ۴۰، سوره حج) نازل شد.^{۱۹}

اگر به جنگهای پیامبر(ص) و علت بروز آنها توجه کنیم، خواهیم دید که همه جنگهای آن حضرت یا در اثر حمله و تجاوز دشمن بوده یا به واسطه نقض عهد و خیانت آنها صورت گرفته یا برای مقابله به مثل بوده است. در هیچ جای تاریخ اسلام سراغ نداریم که پیامبر(ص) از مدینه به قصد تحمیل عقیده یا وادار کردن گروهی از افراد به مسلمان شدن و قصد جنگ خارج شده باشد تا جایی که به دستور قرآن حتی آن حضرت موظف شد با اقوام و قبائلی که به مسلمان شدن تمایل نداشتند، پیمان بی‌طرفی امضا کند^{۲۰} و آنان را در عقیده خود آزاد بگذارد.

ج- نظرات و اندیشه‌های دانشمندان اسلامی

گرچه دربارهٔ جهاد و ماهیت آن برخی اختلافات بین علمای اسلام وجود دارد و برخی در هر صورت آن را جنگ دفاعی می‌دانند^{۲۱} و برخی هم اجازهٔ توسل به زور را برای گسترش حاکمیت اسلام داده‌اند،^{۲۲} لیکن در هر دو دیدگاه، اصالت به عدم توسل به زور داده شده است و استفاده از زور را فقط در موارد استثنا، که هیچ چاره‌ای مگر استفاده از آن نباشد، جایز می‌دانند. از نظر برخی از علما قرآن «اساساً جهاد را تشریح کرده است نه به عنوان تهاجم و

تغلب بلکه به عنوان مبارزه با تهاجم.^{۲۳}

بنابراین از این نظر توسل به زور در مقام دفاع جایز است و نه در هیچ وضعیت دیگر.^{۲۴} کسان دیگری که جهاد ابتدایی را غیر از دفاع می‌دانند نیز معتقدند، اسلام، ابتدا به صرف دعوت قناعت کرده و پیروان خود را در برابر اذیت و آزار مشرکین خویشتن‌داری و شکیبایی امر فرموده و بعد برای بقای دین و اساس آیین و حفظ جان و مال مسلمین، اجازه دفاع داده و سپس برای دفاع از حق انسانیت و پیروی از قانون فطرت به جهاد امر فرموده است و تا دعوت صحیح به عمل نیاید و حجت برطرف تمام نشود جنگ را جایز نهموده و روش پیغمبر محترم بهترین گواه است.^{۲۵} بنابراین تا زمانی که امکان رسیدن به هدفهای اسلام از طریق مسالمت آمیز وجود دارد، جهاد تجویز نشده است. «حقیقت این است که اسلام جنگ را در این موارد اجازه داده است؛ جنگ برای دفاع جان، جنگ با شورشیان علیه حکومت اسلامی، برای برطرف کردن کفر به خدا (که این نوع جنگ نیز صرفاً به اذن امام معصوم یا جانشین خاص او جایز است.» بنابراین حتی جهاد ابتدایی که مورد اشکال و ایراد قرار گرفته است نیز جنبه استثنایی دارد و نه اصل؛ یعنی براساس آیات قرآن و روش پیامبر (ص) و گفته‌ی علما، اصل این است که اسلام در برخورد با غیر مسلمان روش مسالمت آمیز به کار می‌برد و از طریق صلحجویانه در صدد اثبات حقانیت و احقاق حق خود برمی‌آید و در صورت عدم امکان استفاده از این روش و بعد از اتمام حجت و دعوتهای مکرر و رد آن از سوی دشمن، دست بردن به شمشیر و جنگ را تجویز می‌کند؛ آن هم در موارد مشخص با اهداف تعیین شده. به غیر از این موارد یعنی برای توسعه طلبی، حتی حل اختلافات (مثلاً اختلافات مرزی) در صورتی که طرف تجاوز نکرده و خواستار حل مسالمت آمیز اختلاف است، (زیرا آنچه به عنوان جهاد دفاعی مطرح شده در صورت تجاوز دشمن است) یا برای استثمار و بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروتهای دیگران، جنگ جایز نیست. موارد استثنای اصل عدم توسل به زور مشخص است که در بحث آینده به آن پرداخته می‌شود.

مبحث سوم: استثنائات اصل منع توسل به زور دفاع مشروع*

اولین و مهمترین استثنا بر اصل عدم توسل به زور، حق دفاع مشروع است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت، اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه به صورت فردی، خواه دستجمعی، لطمه وارد نخواهد آورد اعضا باید اقداماتی را که در اعمال حق دفاع از خود به عمل می‌آورند به شورا گزارش دهند.»

گرچه منشور، دفاع مشروع را حق ذاتی می‌داند لیکن خود، آن را از نظر زمانی به زمانی محدود کرده است که شورای امنیت وارد عمل شود و اقدامات لازم را مبذول دارد. حقوق اسلام نیز ضمن اینکه آن را حق طبیعی برای نوع بشر به حساب آورده است، آن را هم در روابط داخلی مسلمین و هم در روابط بین‌المللی جاری و ساری می‌داند. به همین دلیل، فقها دفاع را یا دفاع از نفس دانسته‌اند یا دفاع از سرزمین و کیان اسلام^{۲۶} که موضوع بحث ما قسم دوم است.

الف- وجوب دفاع مشروع

بنابه نظر تمامی فقیهان سلمان چنانچه بر مسلمین و یا سرزمینهای اسلامی و یا اساس اسلام از جانب دشمنان، هجوم صورت گیرد بر همه مسلمانان واجب است با تمامی امکانات و توان خود از آن دفاع کنند^{۲۷} این وجوب به اهالی آن سرزمین اختصاص ندارد، بلکه بر همه مسلمین واجب می‌شود (هرچند از آن محل دور باشند).^{۲۸} با وجودی که جهاد بر زنان واجب نیست، برخی از فقها معتقدند «در صورت اضطرار در دفاع جایز است که زنان نیز وارد جهاد شوند.»^{۲۹}

مبنای دفاع مشروع در اسلام آیات متعددی است؛ از جمله:

«وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین»^{۳۰} در زاه خدا با کسانی که با شما سر جنگ دارند کارزار کنید، اما تعدی روا مدارید که خدا متجاوزان را دوست ندارد در این آیه شریفه، کلمه «قتال» به کار رفته و «قتال» به معنی آن است که شخصی قصد کشتن کسی را کند که او قصد کشتن وی را دارد.^{۳۱} و این دفاع است و «دفاع بالذات» به زمانی محدود است که حوزه اسلام مورد هجوم کفار قرار گیرد.^{۳۲}

ب- عدم ضرورت حضور امام معصوم (ع)

بنابه اعتقاد تمام فقهای اسلام، دفاع مشروط به حضور امام (ع) و اذن ذنائب خاص یا عام او نیست. اگر مجتهدان زمان از قیام به دفاع عاجز بودند بر هرکس که توانایی جمع آوری نیرو و انجام دفاع را دارد واجب است که اقدام کند و اطاعت از چنین فردی بر قاطبه مسلمین واجب می شود.^{۳۳}

ج- مصداقهای دفاع مشروع

۱- دفاع از سرزمینهای اسلامی: (آنچه تا کنون مورد بحث بود جنبه های مختلف این نوع دفاع بوده است.)

۲- دفاع از جان و مال مسلمین که مورد تعدی واقع شده اند: مسأله توسل به زور برای حفاظت از جان اتباع در حال حاضر مورد اختلاف نظر علمای حقوق است. لیکن روش عملی کشورها بویژه قدرتهای بزرگ (عقیده بسیاری از حقوقدانان، آن را جزئی از دفاع قلمداد کرده است.^{۳۴}

در اسلام دفاع فقط به دفاع از بلاد مسلمین خلاصه نمی شود، بلکه شامل جانها و نفوس مسلمین نیز می شود، اعم از اینکه در سرزمین خود زندگی کنند و یا به دلیلی از دلایل در سایر نقاط به سر برند (چه تفاوتی می تواند میان دفاع از سرزمین و دفاع از جان افراد ملت باشد). اگر مسئولیت اصلی و اساسی دولتها در وهله اول ایجاد امنیت کافی برای زندگی و سلامت اتباع خود است، باید حق داد که در جهت انجام این تکلیف به دفاع از جان اتباع خود پردازد و از مخاطراتی که آنها را تهدید می کند رهایی دهد به این شرط که این اصل مورد سوء

استفاده قرار نگیرد؛ تا جایی که گفته شده است اگر کفار، فرد مسلمانی را اسیر کنند، واجب است بر ماکه برای رهایی او از چنگال کفار قیام کنیم.^{۳۵} در این صورت به طریق اولی نجات جان آن عده از مسلمین که برای تجارت یا هر دلیل دیگری در کشوری از کشورهای دیگر به مخاطره افتاده و یا از سوی کفار، مورد تهدید یا آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند بر همه مسلمین واجب می‌شود.

۳- دفاع پیشگیرانه: در این نوع دفاع، کشوری با این ادعا که کشور همسایه او یا هر کشور دیگر در حال آماده شدن به قصد تجاوز به کشور اوست؛ مثلاً تجهیزات نظامی در مرزهای مستقر کرده یا اقدام به ایجاد استحکامات غیر ضروری در مرز نموده و امثال این گونه کارها به کشور مزبور حمله کند،^{۳۶} در واقع پیش دستی کردن در حمله عمل قانونی است یا خیر، وجود دارد. از سوی دیگر این نوع دفاع در مقاطع مختلف مورد سوء استفاده قرار گرفته است. لیکن به نظر می‌رسد که دفاع پیشگیرانه اگر واجد شرایط زیر باشد می‌توان آن را از موارد دفاع مشروع دانست:

۱- تهدید از سوی کشور دیگر خواه به صورت علنی و در پی بحران (و اختلافات سیاسی حاد) در روابط طرفین به وجود آمده باشد یا به صورت ضمنی مانند احضار سفیران و هیأت‌های دیپلماتیک و مخالفت با مذاکرات مستقیم و در عوض پیاده کردن نیرو و تجهیزات در مرزها انجام شود.^{۳۷}

۲- توانایی دولت تهدید کننده به اجرای تهدیدات خود و انجام عملیات نظامی

۳- عدم امکان به کارگیری راه‌های مسالمت آمیز برای جلوگیری از تجاوز دشمن یا ناکام ماندن این اقدامات^{۳۸}

در حقوق اسلام، مسلمین محق هستند در مواردی که خوف حمله و تهاجم دشمن به بلاد اسلامی برود (با دلایل و شواهد محکم نه صرف احتمال ضعیف) از خود دفاع کنند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «اگر ترس از این باشد که بیگانگان به یکی از دولتهای اسلامی هجوم برند بر تمام دولتهای اسلامی واجب است به هر وسیله ممکن از آن دفاع کنند؛

همچنانکه بر سایر مسلمین نیز واجب است.^{۳۹}

در اینجا ترسی مورد نظر است که بر دلایل روشن و شواهد آشکاری مبتنی باشد. بر اساس این نظر اگر دشمن مهیا و آماده برای حمله به سرزمینهای اسلامی است، می توان برای پیشگیری و جلوگیری از تجاوز دشمن به سرزمینهای اسلامی و در خطر قرار گرفتن جان و مال و ناموس و شهرها و تأسیسات اقتصادی و بازرگانی و... در کشور اسلامی از هر وسیله ممکن استفاده کرد.^{۴۰} این وسیله می تواند دفاع پیشگیرانه و ورود به خاک دشمن برای حفاظت از اماکن فوق از آتش دشمن باشد. نکته اساسی این است که در اینجا به محض رفع خطر، تکلیف از مسلمین برای ادامه جنگ برداشته می شود و چون دیگر دفاع مفهومی ندارد، نمی توان به جنگ ادامه داد.

مقابله به مثل * اعمال قاطعانه یک حق به منظور پاسخ به عمل مشابه دولت دیگر است. (هرچند به خودی خود و ابتدا به ساکن غیر قانونی باشد. بنابراین حقوق بین الملل به دولت قربانی و خسارت دیده حق می دهد که به همان میزان جبران کند. قرآن کریم می فرماید: «الشهر الحرام بالشهر الحرام و المحرمات قصاص، فمن اعتی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم والقوا لله و اعملوا ان الله مع المتقین»^{۴۱} ماه محرم در مقابل ماه حرام اگر دشمنان احترام شکستند و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید و تمام حرامها قابل قصاص است. هرکس به شما تجاوز کرد همانند آن بر او تعدی کنید و از خدا بهره یزید بدانید خدا با پرهیزگاران است.

حرمت جمع حرمت است؛ یعنی عملی که انجام دادن آن به خودی خود حرام، و ممنوع است، لیکن این عمل به عنوان قصاص و در مقابل عمل خلاف طرف دیگر مجاز می شود و «اصولاً در حرمت قصاص جایز است و ملاک آن جواز تعدی به مثل است»^{۴۲} ولی این پاسخ باید دقیقاً مثل و مشابه و برابر با تحلف و نقض حرمتی باشد که صورت گرفته است نه بیشتر. به همین دلیل از کلمه «قصاص» استفاده شده و در قسمت دیگر آیه آمده است «فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم».

در جنگ احد مشرکین به یک اقدام ضد انسانی دست زدند و اجساد مسلمین مثله کردند و بویژه به جسد مبارک حمزه عموی پیامبر(ص) اهانت روا داشتند. پیامبر با دیدن اجساد مسلمین اندوهگین شد و فرمود: «اگر بر قریش پیروز شوم سی نفر از ایشان را مثله خواهم کرد، در این هنگام آیه ۱۲۶ سوره ۱۶ قرآن نازل شد^{۴۳} که می‌فرماید: «و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین»^{۴۴}

نتیجه اینکه از نظر اسلام: اولاً مقابله به مثل یک حق طبیعی است. ثانیاً باید متناسب با عمل و تخلفی باشد که انجام شده است.

جنگ عادلانه

الف- کلیات

با بروز جنگهای خانمانسوز در اروپا دیدگاه‌های مختلفی درباره جنگ و جنگ عادلانه به وجود آمد و در جامعه جهانی کم‌کم این ایده و فکر رشد و گسترش پیدا کرد که جنگ وسیله خوبی برای رسیدن به هدفهای سیاسی نیست. جنگ باید زمانی پیش آید که قانونی و مشروع باشد. اما چه جنگی مشروع است. هرکس در این خصوص نظری و دیدگاهی ارائه می‌کند. ماکیاول، جنگی را که پادشاه ضروری تشخیص دهد مشروع می‌داند.^{۴۵} روسو، جنگ برای آزادی را مقدس اعلام کرد.^{۴۶} مارکسیستها جنگ طبقه استعمار شده علیه استعمارگران یعنی طبقه سرمایه‌داری را مشروع می‌دانند.^{۴۷} سرانجام، متفکران و فیلسوفان معاصر، جنگ را به عنوان وسیله حل و فصل اختلافات بیان، و اعلام کردند برای عادلانه بودن جنگ، چهار شرط لازم است: ۱- عنوان عادلانه، یعنی اعلام رسمی مقام صلاحیتدار ۲- انگیزه عادلانه، یعنی بر عدالت مبتنی و با مضار ناشی از جنگ متناسب باشد. ۳- ضرورت، یعنی نبودن راه‌های دیگر احقاق حق ۴- راهبری عادلانه، به طوری که زمینه اعاده نظم و صلح را فراهم سازد.^{۴۸}

تحت تأثیر همین نظریات، مسأله حق جنگ و ضوابط آن در میثاق جامعه ملل مطرح شده و بند ۱ ماده ۱۲، ضوابطی را برای جنگ و آغاز آن بیان کرده است. دست کم در پنج مورد به یک کشور یا گروهی از آنها اجازه می‌دهد که به جنگ متوسل شوند. منشور ملل متحد با تز «منع توسل به زور» و ممنوع بودن هرگونه جنگ به وجود آمد و این قاعده به عنوان قاعده

آمره مطرح، ولیکن دو استثنا بر آن وارد شد. یکی دفاع مشروع (که قبلاً بررسی شد) و دیگری اقدامات دستجمعی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. در کنار این دو مورد امروزه مسأله جدیدی مطرح شده است به نام «اقدامات بشردوستانه» یا «مداخله بشردوستانه» و در مواردی شورای امنیت مجوز به کارگیری نیروهای مسلح را تحت عنوان این اقدامات صادر کرده است؛ مانند اعزام نیروهای آمریکایی به سومالی و عملیات نیروهای آمریکایی و متحدان آن در عراق در سال ۱۹۹۱، لیکن هیچ‌گونه تعریف و ضابطه‌ای برای این اقدامات وجود ندارد.^{۴۹} با توجه به اینکه منشور صرفاً در دو مورد یاد شده (دفاع و حفظ صلح) اجازه توسل به زور را می‌دهد و اصولاً صلاحیت شورا به همان دو مورد محدود است، مداخلات بشردوستانه از طریق شورای امنیت چه توجیهی می‌تواند داشته باشد. سرانجام به نظر می‌رسد که تنها می‌توان مداخله بشردوستانه را در قالب ماده ۳۹ منشور یعنی «حفظ صلح و...» پذیریم؛ همچنانکه قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت صادر شده در آوریل ۱۹۹۱، که در آن دولت عراق به دلیل برخوردهای غیر انسانی با مردم عراق بویژه کردهای ساکن شمال محکوم شده است به استناد وظیفه شورا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اختیارات مذکور در فصل هفتم برای شورا، اجازه مداخله مستقیم در عراق صادر کرد و در سومالی نیز به همین طریق ضمن تصویب قطعنامه ۷۹۳ در سال ۱۹۹۲ به استناد تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، اجازه دخالت نیروهای نظامی آمریکا را صادر کرد. بنابراین در حقوق بین‌الملل جز در قالب حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جایگاهی برای اقدامات بشردوستانه وجود ندارد.

ب- دیدگاه اسلام در مورد جنگ عادلانه

قبلاً گفته شد که در اسلام، اصل بر عدم توسل به زور، و دفاع به عنوان یک استثنا مطرح است. دومین استثنای اسلام بر اصل عدم توسل به زور، جنگ عادلانه است (که اصولاً دفاع به عنوان یکی از موارد آن می‌تواند مطرح باشد ولی نظر ما مفهوم خاص آن است) که جهاد ابتدایی و جنگ با شورشیان نیز جزو آن به شمار می‌آید. (چون جنگ با شورشیان خارج از موضوع ماست از آن صرف نظر می‌کنیم).

۱ - جهاد یا جنگ عادلانه با چه کسانی انجام می‌شود؟ (منظور جهاد ابتدایی است): این جنگ با دو دسته

افراد صورت می‌گیرد: اهل کتاب، کافران دیگر.

۱/۱- اهل کتاب

«قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الاخر ولا یحرمون ما حرم الله ورسوله ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن یدوهم صاغرون»^{۵۰} با کسانی از اهل کتاب که نه به خداوند و روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده است، حرام می‌شمرند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بردارند.

مفسران در تفسیر این آیه دو نظر دارند: برخی معتقدند که کلمه «من» در آیه، «بیانیه» است^{۵۱} و نه تبعیض. لذا آیه شامل همه اهل کتاب می‌شود زیرا در واقع اینها نه ایمان درستی به خدا دارند و نه به روز جزا. برخی دیگر معتقدند که قرآن با این تعبیر، اهل کتاب را به دو دسته تقسیم کرده است: عده‌ای که واقعاً به خدا و قیامت (مطابق مکتب خود) و به قانون خدا ایمان دارند و منظور از رسول، که در این آیه آمده، همان پیامبر خودشان است و دین حق نیز اعتقاد آنهاست. در واقع شرایطی که در اول آیه بیان شده، قیودی برای اهل کتاب است؛ یعنی هر اهل کتابی باشد که به خدا و روز جزا و رسول و پیامبر خود اعتقاد داشته باشد نباید با وی جنگید.^{۵۲} صرف نظر از اینکه کدام نظر صحیح است، قدر متیقن این است که اسلام جنگ با گروهی از اهل کتاب را که ایمان و اعتقاد درستی ندارند جایز دانسته است.

۱/۲- کافران دیگر

«فاذا انسلخ الا شهر الحرم فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم کل مرصد...»^{۵۳} وقتی ماه‌های حرام پایان پذیرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه بر سر راه آنها بنشینید...» این گروه از کفار نیز دسته دوم از کسانی هستند که اسلام جنگ با آنها را مطرح کرده است (این دسته از کفار کسانی هستند که به هیچ یک از ادیان توحیدی و خدای یکتا معتقد نیستند). لیکن جنگیدن با کفار اعم از اهل کتاب کافران دیگر هدف و ماهیتی مخصوص به خود دارد.

۲- هدف و ماهیت جهاد ابتدایی

۲/۱- هدفهای جهاد ابتدایی

کمک به مظلومان: «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدیر»^{۵۴} به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل گردیده اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست...»

نبرد با ظالم، حقی است که اسلام برای مظلوم شناخته و در کنار آن دیگران را هم دعوت به دفاع از مظلوم کرده است. «کونا للظالم خصما وللمظلوم عوناً»^{۵۵} در همین راستا اصول دوم و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی ایران را بر پایه نفی هرگونه ستمگری و وظیفه دولت را حمایت بیدریغ از مستضعفان دانسته است.

- مبارزه با اختناق: یکی از هدفهای اسلام در جهاد، جهاد با کسانی است که فرصت و توان تفکر و انتخاب عقیده‌ای سالم را از مردم سلب کرده و برای بقای سلطه خود، آنان را در استضعاف فکری نگاه می‌دارند و مانع رسیدن هرگونه صدای حق به آنها می‌شوند. اسلام با این حکومتها به مبارزه بر می‌خیزد تا این فرصت را به ملتها بدهد که بهترین را انتخاب کنند.

- دفاع از حقوق و ارزشهای انسانی: برخی از ارزشها و حقوق بشر ذاتی انسانهاست و اختصاص به قوم و قبیله و عقیده و ایدئولوژی خاصی ندارد، بلکه هر انسان به اعتبار انسانیت خود مستحق دارا بودن آنهاست. از این رو کسانی که به هر دلیل و به هر شکل (به زور یا فریب یا با استفاده از ابزار تبلیغات) این حقوق را از انسانها سلب می‌کنند، یا تلاش در محو این ارزشها در جوامع بشری می‌کنند در حق انسانیت (نه گروه انسانی خاص) جنایت و خیانت می‌کنند. یکی از هدفهای اسلام در جهاد، مبارزه با این گونه حکومتهاست. چه اینها منحرفان واقعی از فطرت انسانی و مرتجعان حقیقی هستند. طرفداران عقاید نژادپرستانه، دولتهایی که حرکت خود را بر مبنای تلقی انسان به عنوان ابزار اقتصادی کشور را بر اساس تهیه و توزیع مواد مخدر و افیونی قرار می‌دهند، حکومتهایی که بقای سلطه خود را در ترویج فساد و کشاندن ملتها به ابتذال و تباهی قرارداد و از ابزار قدرتمند رسانه‌های صوتی و تصویری و نوشتاری در جهت تخدیر افکار ملتها و دور ساختن آنها از ارزشهای انسانی و کشاندن آنها به سوی

می‌کنند از نظر اسلام محکوم به نابودی هستند: «ولعمری ما علی من قتال من خالف الحق و خابط الغی من اذهان و الایمان»^{۵۶} به جان خویشم سوگند که در یکار و سرکوبی آنها که با حق ستیز کنند و در ماندن در گمراهی همچنان پافشاری می‌کنند، کمترین نرمش و سازشی نخواهم کرد. زیرا فلسفه رسالت انبیا این است: «ارسله علی حین فتره من الرسل و تنازع الانسان، فقی به الرسل و ختم به الوحی، فجاهد فی الله المدبرین عنه و العادلین»^{۵۷} خداوند (پیامبرگرمی اسلام (ص) را) در هنگامه‌ای رسالتش بخشید که جریان رسالت، رکودی گران داشت... پس او را پیگیر راه راستین رسولان ساخت و به او جریان وحی را پایان بخشید و چنین بود که او در راستای توحید با تمامی نیروهای ارتجاعی و انحرافی به جهاد پرداخت.

«ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا یتضعف طائفة منهم یدبح ابناءهم ویستحیی نساتهم انه کان من المفسدین»^{۵۸}

فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد (بر مبنای نژادپرستی) گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند و پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشت.

۲/۲- ماهیت جهاد ابتدایی: قبلاً نظر و دیدگاه علما در مورد جهاد بیان شد که برخی معتقدند جهاد ابتدایی نیز خود نوعی دفاع است و برخی دیگر آن را غیر از دفاع می‌دانند، بلکه نوعی تهاجم ابتدایی برای اهداف مشروعی می‌دانند که اسلام برای آن مقرر کرده است. در کنار این دو نظریه و با توجه به اصطلاحات حقوقی و بین‌المللی که امروزه در جهان رایج است و با عنایت به اهدافی که برای جهاد برشمریم، چه آن را عملی تهاجمی بدانیم و چه عملی تدافعی، به نظر می‌رسد تأسیس خاصی باشد که امروزه بدان مداخله بشر دوستانه می‌گویند (به این دلیل هم هیچ احتیاجی به ورود به این بحث نداریم که آیا این عمل دفاع است یا تهاجم) افکار عمومی جهان امروزه به حدی از رشد و بلوغ فکری رسیده است که نمی‌تواند نسبت به تجاوزاتی که به حقوق انسانها در هر نقطه از جهان صورت می‌گیرد بی تفاوت باشد. به همین دلیل از هرگونه حرکت در جهت حمایت از این حقوق فطرتاً حمایت می‌کنند و دولت اسلامی نیز که خود را مجری احکام اسلامی می‌داند موظف است برای نجات جان مظلومان عالم و آزادی و اعطای شخصیت انسانی به آنها و تضمین کرامت انسانی به تمام کسانی که به

حریم انسانیت تجاوز می‌کنند حمله‌ور شود. اینجا دیگر، هدف کشورگشایی نیست که آن را تجاوز بنامیم؛ هدف بهره‌برداری اقتصادی نیست که آن را استعمار و استثمار بنامیم؛ غرض، سلطه و استعباد نیست که آن را توسعه طلبی بدانیم، بلکه چون هدف عدالت اجتماعی است، پس «مداخله بشر دوستانه» است و هیچ وجدان بیدار و هیچ قانون و مقررات عادلانه و مبتنی بر نیازهای واقعی بشر آن را منع نکرده است. این ضرورتی است که بشر امروز با تمام وجود آن را درک کرده است.

نقص اساسی حقوق بین‌الملل در این است که به واسطه وجود قدرتهای سلطه‌گر بین‌المللی و امکان سوء استفاده و بهره‌برداری سیاسی از آن، نتوانسته قواعد و مقرراتی برای آن وضع کند (در حالی که هدف خود را پیاده کردن عدالت در سطح بین‌المللی می‌داند) و به دلیل تأثیر مستقیمی که قواعد و مقررات منشور و سایر قواعد حقوق بین‌الملل از دیدگاه‌های اومانستی غرب پذیرفته است، نتوانسته هیچ مبنای مستحکمی برای تعیین حقوق واقعی انسان ارائه دهد و نمی‌تواند موارد نقض حقوق بشر را آن گونه که هست تعیین کند و اغلب به افراط و تفریط گرفتار می‌شود. بنابراین نمی‌توان توقع داشت چنین سیستم بیماری بتواند در جهت رهایی انسان قدمی بردارد؛ لیکن سیستم حقوقی اسلام با توجه به مبنای الهی آن، دقیقاً و به دور از هرگونه افراط و تفریط، موارد نقض حقوق بشر را تعیین، و ضمن مشخص کردن چارچوبی دقیق و مقرراتی صریح، «مداخله بشر دوستانه» را برای نجات بشریت تجویز می‌کند.

اعلان جنگ

الف- کلیات

اعلان جنگ مسأله‌ای است که از دیر باز در روابط بین‌المللی مطرح بوده است، ولی کشورها اغلب به دلیل رعایت اصل غافلگیری از اعلان آن ظفره می‌روند. کنوانسیون سوم لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، آغاز درگیری را موکول به اخطار قبلی و صریح کرده است. روشهای اعلان جنگ متفاوت است و می‌تواند از طریق قطع روابط دیپلماتیک یا قطع روابط

بازرگانی^{۵۹} باشد، و یا اعلان صریح از سوی فرد واجد صلاحیت در کشور صورت بگیرد، لیکن باید دانست که قطع روابط دیپلماتیک یا بازرگانی همیشه به معنی اعلان جنگ نیست؛ مگر طرفی که اقدام به احضار سفیر و یا قطع روابط بازرگانی می‌کند، منظور خود را از این اقدام، برقراری حالت خصمانه و جنگ بین طرفین اعلام کند و یا قرائن و شواهد و اوضاع و احوال بر این امر دلالت داشته باشد. در حقوق اسلام در مواردی که حالت جنگی بین کشور اسلامی و دارالحرب برقرار است یا دشمن به سرزمینهای اسلامی حمله‌ور شود نیازی به اعلان صریح جنگ وجود ندارد، ولی اعلان جنگ در دو مورد زیر ضرورت دارد:

- ۱- در صورتی که کشور معاهد در اجرای قرار داد خود با دولت اسلامی قصور ورزد یا مرتکب خیانت شود (با دشمن همکاری کند) در این صورت مسلمین حق فسخ قرارداد را دارند، لیکن برای شروع جنگ، باید به طرف مقابل برقراری حالت جنگی را اعلان کرد.^{۶۰}
- ۲- در صورت فساد قرارداد؛ یعنی در صورتی که به جهتی از جهات مطابق شرع، قرارداد منعقد شده فاسد و باطل باشد (مقام صالح آن را منعقد نکرده باشد) نمی‌توان با دشمن جنگید، مگر اینکه قبلاً به او اعلان شده باشد.^{۶۱}

ب- مقام صالح برای اعلان جنگ

حقوق داخلی هر کشور (معمولاً قانون اساسی) مقام صالح برای اعلان جنگ را تعیین می‌کند.^{۶۲} در اسلام مقام صالح برای اعلان جنگ صرفاً امام (ع) و بطور کلی رئیس دولت اسلامی است.^{۶۳}

ج- آثار اعلان جنگ

در حقوق بین‌الملل به محض اعلان جنگ، تمام روابط تجاری و ... با دشمن قطع، و همه قراردادهای دو جانبه بین طرفین منفسخ خواهد شد. (به غیر از معاهدات مرزی) و اموال دشمن به عنوان غنیمت جنگی به شمار خواهد آمد.

- ۱- تبدیل شدن سرزمینی که به آن اعلان جنگ شده است به دارالحرب: به محض اعلان جنگ از سوی دولت اسلامی به کشورهای دیگر، سرزمین آن کشورها به دارالحرب تبدیل می‌شود و

تمام احکام مربوط به دارالحرب بر آن مترتب خواهد شد.

۲- ممنوع بودن تجارت با دشمن: ۶۴ قاعده ممنوع بودن تجارت با دشمن از قواعد عام حقوق بین الملل است. این قاعده مکانی خاص در حقوق داخلی برخی کشورها دارد به این شکل که قوانین داخلی به طور کلی ممنوع بودن تجارت با دشمن را با ضمانت اجراهای کیفری و مدنی (قراردادها) اعلام داشته‌اند.^{۶۵}

در اسلام بطور کلی موضوع به نظر و تشخیص دولت اسلامی بستگی دارد (امروزه نیز عملاً این امر به تشخیص دولت بستگی دارد). اصولاً مطابق حقوق اسلام، کافر حربی بطور کلی حق ورود به سرزمین کشور اسلامی را به هر دلیلی ندارد و اگر وارد شود به عنوان جاسوس دستگیر خواهد شد، لیکن می‌تواند از دولت اسلامی و یا هر فرد مسلمان برای ورود اجازه بگیرد و به عنوان مستأمن وارد سرزمین اسلامی شود و اقدام به تجارت کند، ولی در چهارچوب مقررات دولت اسلامی. در این حالت می‌تواند کالاهای خود را وارد سرزمین اسلامی کند بویژه اگر این کالاها در توان اقتصادی و نظامی دولت اسلامی تأثیر مثبت داشته باشد؛ ولی در مورد صدور کالا صرفاً مجاز به صدور کالاهایی خواهد بود که هیچ‌گونه تأثیری در توان نظامی دشمن نداشته باشد. این امر در خصوص بازرگانان مسلمان نیز صادق است ولیکن در هر حال، دولت اسلامی بنا به شرایط و اوضاع و احوال می‌تواند ممنوع بودن هر نوع تجارت با دشمن را اعلام کند.

۳- فسخ قراردادهای دوجانبه بین طرفین: در اسلام تا زمانی که معاهده صلح وجود دارد، اعلان جنگ از سوی دولت اسلامی امکان ندارد. بنابراین ابتدا باید معاهده به دلیلی از دلایل فسخ، و سپس اعلان جنگ داده شود. بنابراین، در وهله اول، جنگ موجب فسخ قرارداد صلح نمی‌شود، بلکه با فسخ قرارداد صلح ممکن است جنگ بروز کند، لیکن سایر قراردادهایی که به اتکا و در اجرای قرارداد صلح منعقد شده‌اند و به تبع اعلان جنگ (یا بهتر بگوییم فسخ قرارداد صلح) فسخ می‌شوند؛ به عنوان مثال امانی که برای اتباع دولت معاهد (به واسطه معاهده) وجود دارد از بین می‌رود و این افراد باید کشور اسلامی را ترک کنند و قراردادهای نیمه کاره خود را مسکوت گذارند.

۴- وضعیت اموال دشمن: در این خصوص باید بین اموال عمومی و دولتی با اموال خصوصی

تفاوت قائل شویم:

۴/۱- اموال عمومی و دولتی: با شروع جنگ، تمام اموال دولتی دشمن در حکم غنیمت جنگی است، خواه در داخل کشور دشمن و بعد از هجوم به آن کشور به دست آمده باشد و خواه در داخل کشور اسلامی؛ بویژه اگر این اموال جنبه نظامی داشته و در تقویت استعداد جنگی نیروهای اسلامی مؤثر باشد،^{۶۶} لیکن این اموال قابلیت تملک خصوصی ندارد و متعلق به دولت اسلامی خواهد بود.

۴/۲- اموال خصوصی: اموال خصوصی افراد در مواردی که فرد از اتباع کشور معاهدی باشد که معاهده اش با کشور اسلامی فسخ، و حالت جنگی بر روابط طرفین حکمفرما شده و اموال وی در کشور اسلامی باقی مانده و یا فرد مستأمن باشد، کاملاً محترم است و به گونه های زیر عمل می شود:

اول در صورت فسخ قرارداد صلح، امام باید آن دسته از معاهدان را که وارد دارالاسلام شده اند به محل امنی هدایت کند^{۶۷} و امان بر جان و مال آنان تا رسیدن به مأمن مورد نظر باقی است، لیکن دولت اسلامی می تواند از خروج کالاهایی که ممکن است موجب تقویت توان نظامی دشمن شود جلوگیری کند.

دوم، اموال فرد مستأمن تا پایان مدت امان محترم است، حتی اگر خود مستأمن دارالاسلام را ترک گوید و در دارالحرب بمیرد، اموال وی به وارثان مسلمان یا ذمی او می رسد.^{۶۸}

د- مسأله دعوت اسلامی

به نظر می رسد، بهتر بود مسأله دعوت اسلامی، قبل از ورود به بحث اعلان جنگ مطرح می شد، زیرا اصولاً دعوت اسلامی نوعی «التیماتوم»^{۶۹} است که قبل از اعلان جنگ مطرح می شود.^{۷۰} در حقوق اسلام بطور کلی جنگ جایز نیست؛ مگر اینکه قبل از آن دعوت اسلامی انجام شده باشد و مهلتی نیز برای تحقیق و تفحص به دشمن داده شود.^{۷۱} در خبر «مسمع بن عبدالمملک» از امام صادق (ع) از پدران خود (ع) هست که می فرماید:

«امیرالمؤمنین (ع) فرمود: رسول خدا (ص) مرا به یمن فرستاد و فرمودند: یا علی با احدی جنگ

نکن مگر اینکه او را دعوت کنی...^{۷۲}

در هر حال نظر قاطبه فقها این است که قبل از اقدام به جنگ باید طرف مقابل را به حق دعوت کرد.^{۷۳} علاوه بر این برخی از فقها معتقدند که باید تا زمانی که دشمن، جنگ را آغاز نکرده از آغاز به جنگ به عنوان اتمام حجت خودداری کرد.^{۷۴} در اینجا لازم است چند نکته را یاد آور شویم:

اولاً، همان گونه که گفتیم جهاد ابتدایی نوعی مداخله بشر دوستانه است. هدفهایی که برای آن بیان شد که گفتیم به هیچ وجه هدف آن تحمیل عقیده نیست. بنابراین اگر طرف مقابل به شرایط دولت اسلامی تمکین کرد و مانع دعوت اسلامی از طریق صلح آمیز نشد با او معاهده صلح منعقد می شود. مطابق آیه مبارکه «و ان جنحواللسلم...»، چون امید ایمان آوردن آن مردم بدون خونریزی وجود دارد.^{۷۵}

ثانیاً، دعوت اسلامی صرفاً در خصوص جهاد ابتدایی مطرح می شود و در خصوص جهاد تدافعی موضوعیت ندارد.

ثالثاً، همانگونه که بنا به قول مشهور فقها، جهاد ابتدایی صرفاً در رکاب امام معصوم (ع) جایز است دعوت اسلامی نیز باید توسط امام (ع) یا کسی که از جانب او منصوب است انجام پذیرد.^{۷۶}

عروضه عملیات جنگی

الف- منطقه جنگی

منطقه جنگی به همه قلمرو کشورهای متخاصم اطلاق می شود؛ اعم از هوا، دریا و خشکی. بنابراین از این نظر منطقه جنگی شامل هر دو کشور دارالحرب و دارالاسلام می شود و سایر مناطق، بی طرف هستند که تکالیف خاصی در مقابل دولت‌های متخاصم دارند. با اعلام یک سرزمین به عنوان دارالحرب یک سلسله قواعد و مقررات بر آن مترتب می شود:

اول: اموال موجود در دارالحرب به جز مواردی که مسلمانان یا امام و با توافق قبلی وارد دارالحرب شده است،^{۷۷} غنیمت جنگی به شمار می رود.

دوم: «حدود» در دارال‌الحرب اقامه نمی‌شود.^{۷۸} امام صادق(ع) از امیرالمؤمنین نقل می‌فرماید که فرمود: «لا یقام علی احد حد به ارض العدو»^{۷۹}

ب- صحنه جنگ

صحنه جنگ منطقه‌ای از هر دو سرزمین دارالاسلام و دارال‌الحرب است که عملیات جنگی در آن انجام می‌شود. این منطقه نیز احکام خاص خود را دارد؛ به عنوان مثال آن دسته از سربازان اسلام که در هنگام درگیری در این منطقه به شهادت می‌رسند، نیازی به غسل و کفن ندارند^{۸۰} و یا منطقه حرم به جز در مواردی که دشمن تجاوز کرده باشد نمی‌تواند صحنه جنگ قرار گیرد.

تفکیک رزمندگان از غیر رزمندگان

الف- رزمندگان

اصولاً تمامی کسانی که به گونه‌ای توانایی جنگیدن با سپاه اسلام را دارند و عملاً اقدام به عملیات نظامی کرده‌اند، رزمنده به شمار می‌روند و اسلام اجازه جنگیدن با آنها و کشتن آنها را داده است.^{۸۱} این دسته شامل افرادی هم می‌شود که توانایی جنگیدن را ندارند ولی به دلیل ارائه طرحهای نظامی و نقشه‌های جنگی با دشمن همکاری کرده‌اند. (مانند کشته شدن «درید بن الصمة» در جنگ خیبر به دستور پیامبر^{۸۲}).

جاسوسان دشمن که کافر و از اتباع دشمن هستند، کشته می‌شوند^{۸۳} ولی در مورد مسلمانان و اتباع دارالاسلام که مرتکب جاسوسی برای دشمن می‌شوند به استناد برخورد پیامبر با «حاطب بن ابی بلتعنه» در فتح مکه، برخی قائل به عدم جواز اعدام آنها هستند.^{۸۴}

ب- غیر رزمندگان

مسأله حفظ جان غیر نظامیان و افراد بیگناه در جنگ از مسایلی است که امروزه با وجود سلاحهای دوربرد و بمب افکنهای غول پیکر و سلاحهای کشتار جمعی از اهمیت فوق‌العاده

برخوردار، و از معضلات امروز، عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط^{۸۵} توسط دولت‌های متحارب است. در اسلام غیر رزمندگان در حمایت کامل قرار دارند بویژه اینکه رزمندگان اسلام حق هیچ‌گونه تعرضی نسبت به زنان و کودکان را ندارند حتی اگر زنان در جنگ همکاری و معاونت کنند.^{۸۶} امام صادق (ع) می‌فرماید: «کان رسول الله (ص) اذا أراد أن یبعث سریة دعاهم فاجلسهم بن یدیه ثم یقول یسیروا بسم الله فی سبیل الله و علی ملة رسول الله و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لا صبیاً و لا امرأة»^{۸۷}

عدم حمله به مناطق غیرنظامی و افراد غیر رزمنده موارد استثنا هم دارد. در اسلام فقط در دو مورد اجازه حمله به مناطق غیرنظامی داده شده است.

اول: زمانی که دشمن در شهر مورد محاصره قرار گرفته است و از آنجا به نیروهای اسلام ضربه وارد می‌کند و هیچ راهی برای فتح قلعه و شهر وجود ندارد و هرگونه عملیات نظامی موجب ورود آسیب به مردم غیرنظامی می‌شود. در این صورت جایز است که بر روی دشمن آتش گشود؛ همانگونه که پیامبر اسلام (ص) در نبرد طائف با وجودی که زنان و کودکان و پیران در قلعه بودند، آن را با منجنیق در هم کوبید. در این صورت حتی اگر اسیران مسلمان هم در شهر باشند، اگر عدم اقدام به این کار موجبات شکست مسلمین را فراهم آورد نیز جایز است که اقدام کرد.^{۸۸}

دوم: زمانی که دشمن، غیر نظامیان را سپر خود قرار داده و پشت سر آنها پناه گرفته است و از آنجا به لشکریان اسلام ضربه وارد می‌کند؛ مثلاً پایگاه‌های هوایی و یا موشکی یا توپخانه خود را در شهر مستقر کرده یا در اطراف پایگاه خود، اسیران مسلمان یا افراد غیرنظامی را جا داده است و هیچ راهی برای سرکوب دشمن نباشد، در چنین صورتی نیز به این شرط که نبرد و جنگ با شدت ادامه داشته باشد و پیروزی متوقف به این امر باشد، می‌توان صرفاً پایگاه را مورد هدف قرار داد؛ اگر چه موجب کشته شدن غیر نظامیان گردد.^{۸۹}

ج- قربانیان جنگی

اینان کسانی هستند که در جنگ مجروح شده یا به اسارت دشمن در آمده‌اند.

۱- اسیران: با وجود کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در خصوص رفتار با اسیران، وضعیت آنان در

دوران جنگ دوم جهانی بسیار اسفبار بود.^{۹۰} بعد از جنگ جهانی با تدوین معاهده سوم ژنو و پروتکل الحاقی، مقرراتی در خصوص وضعیت اسیران جنگی تدوین شد که مکمل کنوانسیون ۱۹۲۹ بود. در حقوق اسلام رفتار با اسیران مقررات مفصلی دارد.

۱/۱- زمان دستگیری اسیران کفار: امروزه یک اصل مسلم جنگی وجود دارد که هنگام عملیات و پیشروی و یا مقاومت در مقابل تک دشمن به دلایل امنیتی و عدم امکان صرف نیرو و امکانات در آن شرایط برای انتقال آنها، امکان گرفتن اسیر وجود ندارد و گرفتن اسیر زمانی است که عملیات به پایان رسیده باشد. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «ما كان لنبي أن يكون له أسرى حتى يشخن في الارض»^{۹۱}

هیچ پیامبری حق ندارد اسیر بگیرد، مگر اینکه در زمین غالب شود.

بر همین مبنا قهراً نظر داده‌اند که چنانچه اسیر قبل از پایان قتال و عملیات جنگی اسیر شود (نه اینکه تسلیم شود. باید دقت کرد که در اسلام مسأله اسارت با تسلیم شدن تفاوت دارد بر خلاف حقوق بین‌الملل در اسلام فردی که تسلیم شود و در میدان تقاضای امان کند، در امان قرار می‌گیرد؛ در صورتی که امانش پذیرفته شود) در هر حال امام باید وی را به قتل برساند.^{۹۲} (البته اگر منظور امام معصوم باشد تعیین تکلیف برای ایشان آن هم این چنین، جای تأمل دارد) مگر اینکه مسلمان شود؛^{۹۳} لیکن به محض پایان یافتن عملیات اگر فردی به اسارت رزمندگان اسلام درآید، قتل او حرام است.^{۹۴}

۱/۲- حقوق اسیران: رفتار انسانی با اسیران: در حقوق اسلام، رفتار انسانی داشتن با اسیران (بطور کلی با تمام کسانی که در بند هستند) از تکالیف مسلمانان است و حق هیچ‌گونه آزار و اذیت و اهانت به اسیر برای مسلمین وجود ندارد تا جایی که پیامبر اسلام (ص) در جنگ بدر می‌فرمودند:

«به اسیران اکرام کنید و آنها را در غذای خودتان مقدم دارید.»^{۹۵}

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«واجب است که به اسیران آب و غذا داده شود و با مهربانی با آنها رفتار شود حتی اگر قرار باشد

اعدام شوند.^{۹۶}

از این رو، مسلمین حق ندارند کوچکترین آزار و اذیتی به اسیران برسانند. همچنین اهانت به اسیران نیز جایز نیست و باید نسبت به آنان اخلاق اسلامی را رعایت کرد.^{۹۷}

- غذای اسیران: قرآن کریم یکی از خصوصیات و ویژگیهای هر فرد مسلمانی را اطعام اسیر بیان می‌کند:

«و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً»^{۹۸}

فردی به نام «ابوعزیز بن عمیر» برادر «معصب بن عمیر» در جنگ بدر اسیر شد. وی می‌گوید:

«وقتی از بدر مرا به سوی مدینه آوردند، همراه گروهی از انصار بودم. چون به غذا می‌نشستند، نان را به من می‌دادند و خودشان خرما می‌خوردند (ارزش نان به دلیل کمبود گندم در مدینه برای مسلمین در آن زمان بیشتر بود) و این به سبب سفارشی بود که پیامبر درباره اسیران کرده بود و هر کس پاره نانی به دست می‌آورد به من می‌داد و من شرمگین می‌شدم و به آنان پس می‌دادم و باز به من می‌دادند و دست به آن نمی‌زدند.»^{۹۹}

به همین دلیل فقها تأمین غذای اسیر به حد کافی را بر مسلمین واجب کرده‌اند.^{۱۰۰}

- محل نگهداری اسیران: مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون ژنو درباره معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۳۴۹، وضع مسکن اسیران باید به خوبی وضع مسکن نیروهای کشور بازداشت‌کننده در همان ناحیه، و با اخلاق و عادات آنها متناسب باشد و برای سلامتی آنها مضر نباشد.

شیوه عمل پیامبر اسلام (ص) در خصوص اسیران جنگ این بود که یا آنان را بین مسلمین تقسیم می‌کردند تا در خانه‌های خود نگهداری کنند یا در مسجد از آنها حفاظت می‌شد.^{۱۰۱} به این ترتیب محل زندگی اسیران همان محلی بود که خود مسلمین زندگی می‌کردند و حتی گفته شده است که گاه پیامبر (ص) بعضی از اسیران را در خانه خود نگهداری می‌کردند.^{۱۰۲}

- استفاده از کار اسیران: اخیراً در حقوق بین‌الملل با توجه به ماده ۴۹ قرارداد ژنو دربارهٔ معامله با اسیران به دولت بازداشت‌کننده اجازه داده شده که متناسب با وضعیت اسیر و ضمن حفظ سلامت جسمانی و روانی وی، کارهایی را ارجاع کنند و در مقابل آن مزد و حق الزحمه

پرداخت کند.^{۱۰۳} این در حالی است که هزار و چهارصد سال پیش در حقوق اسلام مقرر شده بود که اسیران اگر به کار گرفته شوند باید در مقابل پرداخت مزد و اجرت باشد و مسلمان حق ندارد که در این خصوص به کارگر اسیر خیانت کند.^{۱۰۴} در عین حال نمی توان از آنها در امری که به گونه‌ای با جنگ مرتبط می شود استفاده کرد.

- آزادی اسیران: آزادی اسیران بر اساس تشخیصی خواهد بود که امام و رهبر مسلمین می دهد و به سه روش ممکن است صورت گیرد: آزادی بدون قید و شرط^{۱۰۵}، مبادله اسیران^{۱۰۶} و پذیرش فدیة^{۱۰۷} (باید توجه داشت برخی از فقها مسأله «رقیت» را مطرح کرده اند و برخی دیگر امام را صرفاً مخیر به آزادی اسیران بدون دریافت فدیة و آزاد کردن آنها در مقابل دریافت فدا^{۱۰۸} دانسته و رقیت را مطرح نکرده اند؛ علاوه بر این مسأله رقیت امروزه دیگر فاقد موضوعیت، و به همین دلیل مطرح نشده است).

۲- مجروحان و بیماران و کشته شدگان

۲/۱- مجروحان و بیماران بازمانده از جنگ: در حقوق اسلامی، لشکریان اسلام، اولاً حق کشتن مجروحان دشمن را ندارند.^{۱۰۹} حتی برخی معتقدند که باید آنها را به محل خود برگردانند.^{۱۱۰} ثانیاً به مقتضای احسان باید آنها را مورد درمان قرار داد. در جنگ نهروان امام علی (ع) دستور دادند چهل نفر از خوارج نهروان را که مجروح شده بودند و در میدان باقی مانده بودند برای مداوا به کوفه برسانند و تمامی مجروحان را که رمقی برای آنها باقی مانده بود به خانواده هایشان برگردانند، خواه امکان معالجه آنها فراهم بود و خواه نبود.^{۱۱۱}

۲/۲- کشته شدگان جنگ: در این خصوص ضمن اینکه در حقوق اسلام اجازه هیچ گونه هتک حرمت به اجساد سربازان دشمن و آتش زدن آنها و مثله کردن و ... را نمی دهد،^{۱۱۲} روایتی از امام علی (ع) هست که می فرماید: «لایبجوز المثلثة و لو بالکلب العقور».

این حکم در هنگام عملیات و بعد از پایان عملیات یکسان است.^{۱۱۳} در جنگها سنت این بود که اجازه بردن اجساد سربازان خود را به کافران می دادند؛ ولی اگر آنها اقدام نکردند،

مطابق قول بعضی از فقها دفن اجساد دشمن واجب است.^{۱۱۴} از رسول خدا(ص) روایت شده که در مسیری می‌رفتند و به جسدی برخورد کردند. فرمودند: آن را دفن کنید و از مسلمان بودن یا کافر بودن وی سؤال نفرمودند.^{۱۱۵}

روش و وسایل جنگ

الف- ممنوع بودن به کارگیری وسایل وحشیانه

مقصود از اصطلاح وسایل وحشیانه انواع سلاحها و گلوله‌های پرتاب شونده یا مواد مخصوصی است که کاربرد آنها به صورت غیر ضروری موجب رنج بسیار شود.^{۱۱۶} کنوانسیونهای متعددی در خصوص ممنوعیت به کارگیری این سلاحها منعقد شده است.^{۱۱۷} این معاهدات و کنوانسیونها سلاحهای کشتار جمعی و وسایلی را که موجب نابودی وسیع انسانی می‌شوند به الگوهای انفجاری، سلاحهای شیمیایی، سلاحهای بیولوژیکی، تکنیکهای تغییر محیط زیست و تسلیحات هسته‌ای^{۱۱۸} تقسیم کرده‌اند.

دیدگاه اسلام در خصوص منع استفاده از سلاحهای وحشیانه و کشتار جمعی را از سه جهت می‌توان به دست آورد: هدف اسلام از جنگ و جهاد، روش عملی پیامبر اسلام، قواعد و مقررات حقوق اسلام در این زمینه.

۱- هدف اسلام از جنگ و جهاد

همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، هدف اسلام از جهاد یا دفاع است یا مداخله بشر دوستانه. از این جهت نمی‌تواند اجازه ورود هر نوع خسارت غیر ضروری و غیر متعارف را بدهد. جنگ اسلام برای نسل‌کشی و تصرف سرزمین نیست که مجوز قتل عام صادر کند. جنگ اسلام برای رهایی نوع بشر است. بنابراین متناسب با این اهداف به کارگیری هر نوع سلاحی را، که موجب قتل عام و یا بروز رنجهای غیر انسانی بر افراد شود، ممنوع می‌داند و لشکریان اسلام مکلف هستند به گونه‌ای عمل کنند که کمترین خسارت و کمترین تلفات حتی به سربازان دشمن وارد آید.

۲- روش عملی پیامبر اسلام(ص)

گرچه در آن زمان سلاحهای وحشیانه به مفهوم امروزین آن وجود نداشت، ولی در همان زمان نیز پیامبر(ص) استفاده از تسلیحات غیر متعارف را، که موجب خسارات جبران ناپذیر و غیر ضروری می شد، ممنوع کرده بود. به همین دلیل از روشهایی مثل آتش افکندن و القای سم جلوگیری فرمود و بطور کلی آنها را ممنوع کرد.^{۱۱۹} از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «پیامبر(ص) هر وقت فردی را برای انجام «سربه» بر می گزید، او را ابتدا به تقوای الهی امر می فرمود، سپس از غدر با دشمن، آتش زدن نخلها و گشودن آب بر دشمن و انداختن آتش بر کشتزارها (و هرگونه آسیب رساندن به محیط زیست) نهی می فرمودند.»^{۱۲۰}

۳- مقررات و قواعد حقوق اسلام

بر مبنای عملکرد پیامبر(ص)، فقهای اسلام نیز القای سم را بر سرزمینهای مشرکان ممنوع کرده اند.^{۱۲۱} همچنین ایجاد سیل و باز کردن آب بر روی دشمن را به گونه ای که منجر به نابودی سرزمین وی گردد نیز برخی منع کرده^{۱۲۲} و برخی مکروه دانسته اند.^{۱۲۳} آتش افکندن را نیز برخی حرام دانسته^{۱۲۴} و برخی مکروه اعلام کرده اند.^{۱۲۵}

اگر القای سم را به کارگیری هر نوع ماده ای که موجب مسمومیت افراد یا آلوده کردن آب یا محیط زیست را فراهم می آورد بدانیم (چون فقها نوع خاصی از سم را بیان نکرده اند یا شکل خاصی از سم مد نظر نبوده است، آنچه اهمیت داشته آثار سوء آن بوده است) نمی توانیم سلاحهای شیمیایی یا میکروبیولوژیک را از این عنوان خارج بدانیم بویژه اینکه مسمومیتهایی که این سلاحها به وجود می آورند قابل مقایسه با سمومی که در آن زمان به کارگیری می شد، نیست؛ پس اگر به کارگیری آن نوع سموم که تأثیر محدودی داشت به علت آسیب رساندن به افراد غیرنظامی و ایجاد تلفات غیر ضروری^{۱۲۶} ممنوع بوده است، استفاده از سلاحهای شیمیایی و میکروبیولوژیک، که موجب تلفات وسیع گردیده و آثار آن تا سالها و بلکه نسلهای بعد هم محو نمی گردد به طریق اولی ممنوع است. وقتی افکندن آتش به دلیل آسیبی که به محیط زیست و اشجار و کشتزارها وارد می آید و موجب قتل فجیع انسانها می شود ممنوع است (با وجودی که اثر آن بسیار محدود بود) استفاده از سلاحهای اتمی و

هسته‌ای که قدرت تخریب آنها غیر قابل تصور است و تا شعاع وسیعی هیچ موجود زنده‌ای را باقی نمی‌گذارد به طریق اولی غیر مجاز است.

ب- استفاده از وسایل ناجوانمردانه

۱- غدر و نامردی

غدر، نامردی و اصولاً پنهانکاری متقلبانه و ناراستی در رفتار با دشمن است.^{۱۲۷} سوء استفاده از پرچم سفید، وانمود کردن به تسلیم یا به دروغ تقاضای صلح کردن و یا با سوء نیت و به قصد فریب، قرارداد ترک مخاصمه منعقد کردن، مصداقهای غدر و نامردی است.

امام صادق (ع) از قول پیامبر (ص) می‌فرماید: «بجنگید با نام خدا و در راه خدا، بجنگید با کسانی که به خدا کفر ورزیدند و غدر و خیانت مکید»^{۱۲۸}

امام علی (ع) نیز در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرماید: «فلا تغدرن بدمتک»^{۱۲۹} تا جایی که از یاری رساندن به افراد و دولتهایی که غدر و خیانت کرده‌اند نیز منع می‌فرماید. از امام صادق (ع) در این باره چنین سؤال شد: دو منطقه دارالحرب با هم در جنگ بودند و سپس صلح کردند و یکی از طرفهای صلح متوسل به غدر شد و به نزد مسلمین آمده و پیشنهاد اتحاد نظامی علیه طرف دیگر صلح را به مسلمین می‌کند. امام می‌فرماید: «لا ینبغی للمسلمین ان یغدروا ولا یأمروا بالغدر ولا یقاتلوا مع الذین غدروا...»^{۱۳۰} از این رو مسلمین مجاز به غدر و امر به غدر و همکازی با کسانی که غدر و خیانت می‌کنند نیستند؛ هرچند علیه کفار باشد (این دیدگاه اسلام را با شعار استعمارگران اروپایی مقایسه کنید که «تفرقه بینداز و حکومت کن!«).

۲- جاسوسی

جاسوسی، کسب اطلاعات به صورت پنهانی در منطقه عملیاتی یکی از متخاصمین به منظور انتقال آن به طرف مقابل است.^{۱۳۱} (جاسوسی را نمی‌توان عملی ناجوانمردانه به شمار آورد، بلکه از این جهت جزو این مباحث مطرح می‌شود که جاسوس را نمی‌توان به هنگام دستگیری از امتیازات رزمندگان اسیر بهره‌مند دانست بویژه اگر از اتباع خودی باشد).

جاسوس یا از نیروهای طرف مقابل است که در لباس و ظاهر خودی در آمده یا از نیروهای خودی است که خود را به دشمن فروخته است. هردوی این افراد مطابق قوانین و مقررات بین‌المللی بر طبق قوانین داخلی کشوری که در آن دستگیر شده‌اند محاکمه می‌شوند. در حقوق اسلام هیچ اختلافی در جواز قتل کافری که در دارالاسلام به قصد جاسوسی وارد شده وجود ندارد؛^{۱۳۲} لیکن در مورد مسلمانی که اقدام به جاسوسی علیه کشور اسلامی می‌کند (همانگونه که قبلاً اشاره شد) بر اساس قضیه «حاطب بن ابی بلتعنه» نظر این است که اعدام وی جایز نیست. اما اگر در قضیه حاطب دقت کنیم، پی خواهیم برد که پیامبر گرامی اسلام حاطب را به سه دلیل مجازات نکرد: اولاً وی موفق نشد خبر خود را برساند.^{۱۳۳} ثانیاً صریحاً فرمودند «شاید خدای عزوجل به اهل بدر نگرست و گفت هرچه خواهید کنید که شما را بخشیده‌ام...»^{۱۳۴} ثالثاً معلوم شد که حاطب سوء نیت نداشته است.^{۱۳۵} از این رو به نظر می‌رسد قضیه حاطب وضعیت خاصی بوده که حکم آن قابل تسری به سایر موارد جاسوسی نیست؛ به علاوه باید پذیرفت که اصولاً در این نوع قضایا باید مطابق نظر امام و رهبر مسلمین عمل کرد. (چگونه می‌توان پذیرفت جاسوسی را که با خیانت به هموطنان خود و ارسال اطلاعات مربوط به عملیات به دشمن سبب مرگ و کشته شدن صدها رزمنده و احتمالاً شکست نیروهای اسلام شده است بتوان عفو کرد و بخشید). همانگونه که امروز در جمهوری اسلامی ایران، مطابق قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورا که اجرای آزمایشی آن به تصویب شورای نگهبان هم رسیده است عمل می‌شود. بر اساس این قانون در بعضی موارد، جاسوس هر چند مسلمان و ایرانی باشد اعدام می‌شود؛ اگر چنانچه اعدام این افراد مطابق شرع مجاز نبود شورای نگهبان اجرای آن را تأیید نمی‌کرد.

غنیمت

امروزه غنیمت به مفهوم اموال کشور دشمن است که به دست طرف مقابل می‌افتد. بنابراین، شامل اموال خصوصی مردم نمی‌شود. از سوی دیگر با غارت، که به معنی تحصیل اموال خصوصی مردم است، نیز تفاوت دارد. در اسلام غنیمت به چیزی اطلاق می‌شود که با

قهر و غلبه از دارالحرب اخذ شود^{۱۳۶} و در مقابل «فیء» قرار می‌گیرد که اموالی است که بدون جنگ از دشمن گرفته می‌شود. پس اموالی که از دشمن گرفته می‌شود مطابق قانون اسلام یا «فیء» است یا غنیمت و اثر آن صرفاً در تقسیم غنائم است. آیات متعدد قرآن «غنیمت‌گیری» را مجاز دانسته است؛ مانند: «فکلوا مما غنمتم حلالاً طیباً»^{۱۳۷} در بحث غنائم جنگی، مسائلی همچون چگونگی تقسیم غنائم، انواع زمینهای مفتوحه و غیره مطرح می‌شوند که از ورود به بحث آنها خودداری می‌شود. همین اندازه باید گفت که غنائم جنگی بین جنگ آوران تقسیم می‌شود و «فیء» از آن حکومت است، لیکن امروزه نمی‌توان پذیرفت که همه غنائم جنگی به دست آمده را می‌توان بین جنگ آوران تقسیم کرد. غنائم جنگی امروزه بطور عمده شامل تسلیحات جنگی و نظامی مانند اسلحه‌های سبک و سنگین و توپ و خمپاره‌انداز و تانک و غیره هستند. حتی در مورد سلاحهای سبک مثل کلت کمری و ... که چه به صورت صلح آمیز و چه به صورت قهر آمیز به دست آید، قابل تملک شخصی نیستند و متعلق به دولت اسلامی است.^{۱۳۸} از این رو، تعیین تکلیف اموال به دست آمده از جنگ بطور کلی با حکومت اسلامی است.^{۱۳۹}

ادداشتها

- ۱- جیمز دوئرتی، رابرت خالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب - وحید بزرگی، ج ۱، ص ۲۹۹.
- ۲- همان، ص ۲۹۸.
- ۳- ابن خلدون، مقدمه تاریخ خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۵۱، ص ۵۱۸.
- ۴- جیمز دوئرتی، رابرت فالتزگراف، همان، ص ۲۹۸.
- ۵- محمود مسائلی، عالیہ ارفعی، جنگ و صلح از دیدگاه حقوقی و روابط بین الملل، ص ۳.
- ۶- همان، ص ۵.
- ۷- ابن اثیر، النهایه، جزا اول، بی‌جا، مکتبه الاسلامیه، بی‌تا، ص ۴۱۸؛ ابن منظور مصری، لسان العرب، ج ۴، بیروت، دارصادر، بی‌تا، ص ۱۲۵.
- ۸- محمد کریم اشراق، همان.
- ۹- این قواعد اصولاً در هر جنگی لازم الاجراست؛ چه جهاد باشد و چه غیر جهاد. هر چند اسلام هر نوع جنگی را غیر از جهاد ممنوع کرده است، چه با کفار و چه با خود مسلمین، لیکن در همین موارد نیز باید این قوانین رعایت شود.
- ۱۰- محمود مسائلی، عالیہ ارفعی، همان، ص ۲۴.
- ۱۱- حج (۲۲)، آیات ۳۸-۴۰. (با استفاده از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

- ۱۲- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۵۴۳.
- ۱۳- نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.
- ۱۴- علامه طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۵۳۴.
- ۱۵- آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۵۷.
- ۱۶- قلم (۶۸)، آیه ۷.
- ۱۷- شهید مطهری، جهاد، ص ۵۰.
- ۱۸- تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۵۷.
- ۱۹- علامه طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۵۴۱.
- ۲۰- ر.ک. به مبحث حقوق قراردادهای بین المللی، بحث بی طرفی.
- ۲۱- ر.ک. محمدشید رضا، تفسیر المنار، دار المعرفه للطباعة النشر، بیروت - لبنان، چاپ دوم، ج ۲، ص ۲۱۵.
- ۲۲- ر.ک. آیت الله حسین نوری، جهاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، سال ۶۶، ص ۲۹۸.
- ۲۳- شهید آیت الله مطهری، جهاد، انتشارات صدرا، ص ۲۱.
- ۲۴- البته باید توجه کرد، نهاجم می تواند نظامی یا فرهنگی یا تجاوز به حقوق اولیه انسانی باشد. این دسته از علما مفهوم وسیع نهاجم و دفاع را مد نظر دارند، در حالی که در منشور، صرفاً نهاجم نظامی مد نظر است.
- ۲۵- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه مطبوعات دارالعلم قم، چاپ دوم، ج ۳، ص ۹۳.
- ۲۶- ر.ک. به امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج اول، ص ۴۴۵ به بعد.
- ۲۷- ر.ک. امام خمینی (ره)، همان، ج دوم، ص ۳۲۷.
- ۲۸- ر.ک. شیخ طوسی، الهایه، موسوعه الینایع الفقهیه، ج ۹، ص ۳۱؛ قاضی ابن ابراج، المهذب، همان، ج ۹، ص ۸۰.
- شیخ محمد حسن نجفی، جوهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۴-۱۵.
- ۲۹- راوندی، فقه القرآن، موسوعه الینایع، ج ۹، ص ۱۱۵.
- ۳۰- بقره (۲)، آیه ۱۹۰.
- ۳۱- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۸۸.
- ۳۲- همان، ص ۸۹.
- ۳۳- محمد جعفر الظالمی، من الفقه السیاسی فی الاسلام، منشورات دار مکتبه الحیاء، بیروت، ص ۵۹ (منقول از آیت الله کاشف الغطاء).
- ۳۴- این اصل مورد سوء استفاده فراوان آمریکا و سایر قدرتهای بزرگ و اسرائیل قرار گرفته است. آمریکا به این بهانه در سال ۱۹۸۳ به گرانادا حمله کرد و انگلستان و فرانسه در جریان ملی اعلام شدن کانال سوئز از طرف جمال عبدالناصر به بهانه حفظ منافع خود به وی اعلام جنگ کردند و همچنین آمریکادر سال ۱۹۸۱ به عنوان نجات جان گروگانهای آمریکایی در ایران، مداخله نظامی ناموفقی انجام داد و اسرائیل با اعزام نیرو به فرودگاه وانبه تعدادی از اتباع خود را، که توسط چریکهای فلسطینی در هوایمایی ربوده شده بودند، آزاد کردند. از این رو می توان گفت کشورهای ضعیف اصولاً هیچ گاه نمی توانند از این حق استفاده کنند، زیرا توانایی اجرای چنین عملیاتی را ندارند، بخصوص اگر اتباع آن کشور در سرزمین یکی از قدرتهای بزرگ مورد آزار و اذیت واقع شوند.
- ۳۵- امام بدرالدین بن جماعه، تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام، ص ۱۵۵.
- ۳۶- حمله اسرائیل به نیروگاه هسته ای موصل عراق با این استدلال صورت گرفت و نماینده اسرائیل در سازمان ملل اظهار داشت: «آبادی شما باید در دفاع از خود در آن قدمه کنند که زمان دفاع از خود را از دست ندهند. در قفسه که ما

- دولت آمریکا مدعی بود که مسأله حمله مسلحانه، که توجیه کننده دفاع از خود است باید طوری تفسیر شود که تهدید توسل به زور را هم شامل گردد و دلیل آن را نیز همترازی و تهدید به زور در کنار توسل به زور ذکر کرده‌اند.
- ۳۷- در این صورت اقدام اسرائیل علیه عراق را نمی‌توان از مصداقهای دفاع پیشگیرانه دانست، زیرا صرف نظر از اینکه این تأسیسات هنوز توانایی و استعداد ایجاد خطر برای کسی نداشتند، هیچ مدرکی دال بر اینکه عراق با این تأسیسات، اسرائیل را تهدید می‌کرد، وجود ندارد بویژه اینکه عراق در آن زمان در حال جنگ با ایران بود و هرگز توان انجام تهدید علیه کشور دیگری را نداشت.
- ۳۸- با این فرض ادعای عراق در حمله به ایران تحت عنوان دفاع پیشگیرانه (ر.ک به اعلامیه نماینده عراق در شورای امنیت، ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰) کاملاً مردود است، زیرا ایران عملاً توانایی ایجاد خطر برای مرزهای عراق را در آن موقعیت نداشت و دولت عراق نیز از هیچ‌روش مسالمت آمیزی قبلاً استفاده نکرده بود.
- ۳۹- ر.ک امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۲۷.
- ۴۰- ر.ک به همان.
- ۴۱- بقره (۲)، آیه ۱۹۳.
- ۴۲- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۸۶.
- ۴۳- محمد بن عمرو وادی، مغازی، ترجمه دکتر محمد مهدی دامغانی، دفتر نشر دانشگاهی، ج ۱، ص ۲۰۹.
- ۴۴- نحل (۱۶)، آیه ۱۲۶.
- ۴۵- جیمز دوثرتی - رابرت خالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ج ۲، ص ۲۰۹.
- ۴۶- همان.
- ۴۷- ویلیام اینشتاین، ادوین فالگمان، مکاتب سیاسی معاصر، ترجمه حسینعلی نوری، نشر گسترده، چاپ دوم، ص ۴۷.
- ۴۸- جیمز دوثرتی - رابرت خالتزگراف، همان، ج ۲، ص ۲۳.
- ۴۹- به همین دلیل این اقدامات، امروزه ابزار اعمال سیاستهای قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا شده و هر دو مورد مداخله در این جهت بوده است.
- ۵۰- سوره توبه (۹)، آیه ۲۹.
- ۵۱- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۱۶؛ آیت‌الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۵۳.
- ۵۲- ر.ک. رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۱، ص ۲۸۲؛ همچنین شهید مطهری، جهاد، انتشارات صدرا، ص ۱۰.
- ۵۳- توبه، آیه ۵.
- ۵۴- حج (۲۲)، آیه ۳۹ - ۴۰.
- ۵۵- نهج البلاغه، نامه ۴۷.
- ۵۶- عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب (نهج البلاغه)، ج ۳، تهران، نشر ذره، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱۵.
- ۵۷- همان.
- ۵۸- قصص (۲۸)، آیه ۴.
- ۵۹- مثلاً در ماده ۸۲ قرارداد ولوزان آمده بود که زمان آغاز جنگ بین ترکیه عثمانی و متفقین، زمان قطع روابط بازرگانی است و همچنین دولتهای آمریکای لاتین زمان برقراری حالت خصمانه و جنگی بین خود و آلمان را در جنگ دوم جهانی، زمان قطع روابط دیپلماتیک خود با آن کشور اعلان کردند.
- ۶۰- علامه حلی، قواعد الاحکام، موسوعه البنایع الفقهیه، ج ۹، ص ۲۶۴.
- ۶۱- همان.
- ۶۲- اصل یکصد و دهم قانون اساسی، ج ۱.۱. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها را در صلاحیت مقام معظم رهبری

قرارداده است.

۶۳- دکتر وهبة الزحيلي، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، ص ۱۴۸.

۶۴- تا سال ۱۹۱۴ اغلب مؤلفان و دانشمندان انگلوساکسون به پیروی از نظریات بینکر شوک هلندی معتقد به ممنوعیت تجارت با دشمن بودند و در مقابل دکترین قاره اروپا (بزی) این قاعده را مردود می‌دانست و حق اخذ تصمیم را به کشورها داده بود.

۶۵- دکتر محمد رضا ضیاء بیگلری، حقوق جنگ، ص ۹۲.

۶۶- مرکز تحقیقات اسلامی (حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه) احکام جبهه، مسأله ۳۹ و ۴۹، ص ۲۹ - ۳۰.

۶۷- علامه حلی، همان.

۶۸- ر.ک. به بحث «بیبگانگان در کشور اسلامی» در همین مقاله.

۶۹- التیاتوم خطاری است که به طور قاطع به دولت مقابل کتاباً ابلاغ می‌شود (می‌تواند شفاهی هم باشد) و منظور از آن اجابت بعضی امور در مدت کوتاه است که در صورت اجابت نشدن خواسته‌ها حالت جنگی خود بخود با انقضای مهلت پدید می‌آید. (ر.ک شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، ص ۴۲)

۷۰- ر.ک دکتر وهبة الزحيلي، همان، ص ۱۵۱.

۷۱- ابی الصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، موسوعة النبیایع، ج ۹، ص ۳۲.

۷۲- ر.ک شیخ محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۵۲؛ ابی الصلاح حلبی، همان، همان جا؛ شیخ طوسی، النهایه، موسوعة النبیایع، ج ۹، ص ۵۱.

۷۳- ر.ک نظام الدین الصهرشتی، اصباح الشیعه، موسوعة النبیایع، ج ۹، ص ۱۶۹؛ علاء الدین ابی الحسن حلبی، اشاره سبق، موسوعة، ج ۹، ص ۱۹۵.

۷۴- ر.ک نظام الدین الصهرشتی، همان.

۷۵- در مباحث قبل دیدیم که یکی از موارد جواز هدنه، امید به اسلام آوردن کفار بدون خونریزی است.

۷۶- ر.ک. ابن ادریس، السرائر، موسوعة النبیایع، ج ۹، ص ۱۷۷؛ شیخ ابی زکریا یحیی بن سعید الهذلی، الجامع للشرایع، موسوعة النبیایع، ج ۹

۷۷- ر.ک شیخ محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۱۰۷ سرخسی، المبسوط، ج ۱۰، ص ۹۵.

۷۸- ر.ک شیخ محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۴۴۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۱، ابوحنیفه و برخی دیگر از فقهای اهل سنت تفسیر عجیبی از عدم اقامه حدود کرده‌اند. آنها معتقدند هر جرم مستوجب حدی که مسلمان در دارالکفر (بطور کلی) مرتکب شود، در دارالاسلام قابل مجازات نیست. استدلالی که می‌کنند این است که چون جرم در خارج از محدوده ولایت امام واقع شده حق مجازات وی را ندارند. از این رو، مراد از عدم اقامه حدود، عدم وجوب اجرای آن است ولی این شامل جرائمی نمی‌شود که در لشکرگاه مسلمین در دارالعرب انجام می‌شوند. همچنین جرائمی که سربازان در طول جنگ انجام می‌دهند نیز بنابر قول این علما قابل مجازات نیست (ر.ک به محمد بن عبدالواحد، شرح فتح القدر، ج ۵، ص ۴۶-۴۷) برخی از روشنفکران امروزی به فتوای این دسته از علمای تمیم غیر منطقی داده‌اند (ر.ک. دکتر حسینی حسینی نژاد، حقوق کیفری بین الملل اسلامی، نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۴).

۷۹- حر عاملی، وسایل الشیعه، کتاب الحدود و التعزیرات، ابواب مقدمات الحدود و احکامها العامه، باب ۱۰، ج ۱، چاپ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۰۳/۱۹۸۴.

۸۰- ر.ک آیت الله سید احمد خوانساری، جامع المدارک، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، سال ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۸.

۸۱- ر.ک. دکتر وهبة الزحيلي، همان ص ۵۰۵.

۸۲- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۱۲؛ شیخ محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۷۵.

- ۸۳- ر.ک دکتر وهبة الزحيلي، همان، ص ۵۰.
- ۸۴- وی هنگامی که آگاه شد پیامبر قصد حرکت به سوی مکه را دارد، با وجودی که پیامبر بر رعایت اصل غافلگیری تأکید داشت، زنی را مأمور کرد تا نامه‌ای حاوی اطلاعات در خصوص حرکت پیامبر به اهالی مکه برساند. پیامبر از این امر مطلع شدند و امام علی(ع) را مأمور یافتن زن کردند. ایشان به همراه زبیر حرکت کرد. زن را پیدا کرد و نامه را از وی گرفت. حاطب بعداً اظهار پشیمانی کرد و علت اقدام خود را در امان ماندن زن و فرزندانش که در مکه بودند اعلام کرد. پیامبر نیز از مجازات او صرف نظر کردند.
- ۸۵- ر.ک کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۵ ژنو در خصوص حمایت از جان مردم غیر نظامی.
- ۸۶- ر.ک. شیخ طوسی، همان، ج ۲، ص ۱۵ و شیخ محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۷۳.
- ۸۷- وسایل الشیعه، کتاب الجهاد، باب ۱۵، ج ۳.
- ۸۸- شیخ طوسی، همان، ج ۲، ص ۱۱.
- ۸۹- همان، ج ۲، ص ۱۱۲ شیخ محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۷۴-۷۵.
- ۹۰- از مجموع ۳۷۳۰۰۰۰ نفر اسیران دولتهای محور که در دست روسها اسیر بودند، ۱۳۲۰۰۰۰ نفر اسیر آلمانی بودند، همچنین ۶۳ هزار اسیر استرالیایی و ۱۵۰ هزار اسیر ژاپنی به هلاکت رسیدند و ۲۳۰۰۰۰۰ اسیر روس نیز در آلمان بر اثر تیفوس جان خود را از دست دادند. ر.ک شارل روسر، همان، ص ۱۰۱.
- ۹۱- انفال(۸)، آیه ۶۷.
- ۹۲- ر.ک شیخ طوسی، النهایه، موسوعة الینابیع، ج ۹، ص ۹۶؛ احمدی میانجی، الاسیر فی الاسلام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۱۳۳.
- ۹۳- وسایل الشیعه، کتاب الجهاد، باب ۱۲۳ از ابواب جهادالعدو، حدیث ۱.
- ۹۴- شیخ محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۱۲۳ وسایل الشیعه، کتاب الجهاد، باب ۲۳، حدیث ۱ و ۲.
- ۹۵- ذهبی، تاریخ الاسلام، مغازی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۰۷/۱۹۸۷، ص ۱۱۹.
- ۹۶- ر.ک احمدی میانجی، همان، ص ۲۱۳.
- ۹۷- علی محمد اسدی، احکام جبهه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ص ۱۶.
- ۹۸- دهر(۷۶)، آیه ۸.
- ۹۹- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، ج ۳، ص ۹۷۸.
- ۱۰۰- علامه حلی، قواعد الاحکام، موسوعة الینابیع، ج ۹، ص ۱۲۴۹ محقق حلی، شرایع الاسلام، موسوعة الینابیع، ج ۹، ص ۲۰۷.
- ۱۰۱- احمدی میانجی، همان، ص ۲۱۲.
- ۱۰۲- وهبة الزحيلي، همان، ص ۳۰۹-۳۱۰.
- ۱۰۳- تا قبل از انعقاد کنوانسیون ۱۹۴۹ سئأله به کارگیری اسیران بدون دستمزد و بیگاری کشیدن از آنها امری معمول در تمامی کشورهای اروپایی بود. آنها که امروزه خود را متصدن می‌دانند تا نیم قرن پیش داشتن هرگونه حقی برای اسیران را غیرقابل تصور می‌دانستند. رفتار دول متخاصم در جنگهای اول و دوم جهانی که موجبات انعقاد کنوانسیون مزبور را فراهم کرد نمونه کامل این امر بود.
- ۱۰۴- وهبة الزحيلي، همان، ص ۳۶۹.
- ۱۰۵- محمدجواد مغنیه، فقه الامام الصادق(ع)، ج ۲، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۵، ج ۲، ص ۲۷۳.
- ۱۰۶- مانند رفتاری که پیامبر اسلام با «عمرو بن ابوسفیان» کرد و وی را با «سعد بن نعبان بن اکاله» مبادله کرد. (ر.ک محمد بن جریر طبری، همان، ج ۳، ص ۹۸۳)

- ۱۰۷- در جنگ بدر بیشتر اسیران با فدیه آزاد شدند و فدیه برخی از اسیران با سواد کردن ده نفر مسلمان بود. (ر.ک محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۵۹)
- ۱۰۸- ر.ک محمدجواد مقینه، همان، ج ۲، ص ۲۷۳.
- ۱۰۹- محقق حلی، شرایع الاسلام، موسوعه الینابیع، ج ۹، ص ۲۰۷.
- ۱۱۰- شیخ محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۱۲۸.
- ۱۱۱- همان، ج ۲۱، ص ۷۸.
- ۱۱۲- همان، محمد بن ادریس شافعی، الام، ج ۳، بیروت، دارالمعرفه، ص ۱۶۲.
- ۱۱۳- شیخ محمدحسن نجفی، همان.
- ۱۱۴- شهید ثانی، شرح لعمه، ج ۱، قم، چاپ دوم، انتشارات علمیه، ۱۳۹۶، ص ۲۲۰.
- ۱۱۵- دکتر هبه الزحیلی، همان، ص ۳۸۸.
- ۱۱۶- جزء ۳۰، ماده ۲۲، مقررات ۱۹۰۷ لاهه.
- ۱۱۷- مانند: اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸، کنفرانس لاهه و کنفرانس دوم لاهه در سال ۱۹۰۷ در خصوص منع استفاده از گلوله‌های انفجاری، عهدنامه شماره ۱۴ لاهه مورخ ۱۹۰۷ و معاهدات صلح پاریس، پرتکل ۱۹۲۵ ژنو، کنوانسیون ۱۹۷۲ در خصوص سلاحهای باکتری بیولوژیک.
- ۱۱۸- کنوانسیون منع ساخت و تکثیر سلاحهای هسته‌ای که در مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید.
- ۱۱۹- وسایل الشیعه، باب ۱۶ از ابواب جهادالعدو، حدیث ۱.
- ۱۲۰- همان مأخذ، باب ۱۵ از ابواب جهادالعدو، حدیث ۲.
- ۱۲۱- شیخ محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۶۷؛ قاضی ابن البراج، المهذب، موسوعه الینابیع، ج ۹، ص ۶۸۲.
- ۱۲۲- ابن ادریس، السرائر، موسوعه الینابیع، ج ۹، ص ۱۷۸.
- ۱۲۳- محقق حلی، شرایع الاسلام، موسوعه الینابیع، ج ۹، ص ۲۰۳؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، موسوعه الینابیع ج ۹، ص ۲۳۷.
- ۱۲۴- قاضی ابن البراج، همان؛ ابن ادریس، همان.
- ۱۲۵- محقق حلی، همان؛ علامه حلی، همان.
- ۱۲۶- ر.ک شیخ محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۶۷.
- ۱۲۷- باید دقت داشت که غدر و خیانت را نباید با حیله جنگی و فریب اشتباه کرد. حیله و فریب برای گمراه کردن و به اشتباه انداختن و اادار کردن او به تصمیمات غلط مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مثل ایجاد تأسیسات مصنوعی یا شایعه پراکنی یا اقدام برای به دام افکندن دشمن. به این اقدامات هم در حقوق بین الملل و هم در حقوق اسلام جایز و حق طرفین است؛ به عنوان مثال خدعه و نیرنگی که امام علی (ع) در جنگ احزاب به عمرین عبودود زد و او را از پای در آورد. همچنین امام علی (ع) فرمودند: جنگ خدعه است. ر.ک شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۲، ص ۷۹.
- ۱۲۸- وسایل الشیعه، باب ۲۱، از ابواب جهادالعدو، حدیث ۱.
- ۱۲۹- حاج میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱ باب ۱۱ از ابواب جهادالعدو، حدیث ۱، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۰۷.
- ۱۳۰- وسایل الشیعه، باب ۲۱ از ابواب جهادالعدو، حدیث ۱.
- ۱۳۱- شارل روسر، همان، ص ۱۲۹.
- ۱۳۲- ر.ک درس سیزدهم، ذیل بحث رزمندگان. (جاسوس)

۱۳۳- ر.ک محمد بن جریر طبری، همان، ج ۳، ص ۱۱۷۸.

۱۳۴- همان.

۱۳۵- همان.

۱۳۶- شیخ طوسی، خلاف، ج ۱، قم، دارالکتاب العلمیه اسماعیلیان، بی تا، ص ۴۵.

۱۳۷- انفال (۸)، آیه ۶۹.

۱۳۸- امام خمینی صریحاً می فرمایند: اسلحه و مهمات را باید تحویل داد و صرفاً می توان مختصرات مثل ساعت و لباس

را تملک کرد و زیادتر به نظر دولت جمهوری اسلامی ایران است (ر.ک احکام جبهه، ص ۳۱۲-۳۱۳).

۱۳۹- همان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی